

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد ... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاهی الهی زحمت

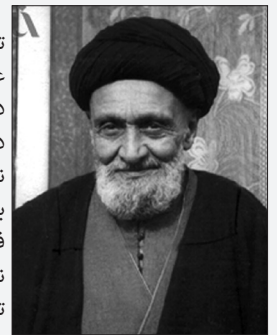
علامه
طباطبایی
آگاه به روح زمانه

صفحه ۵

سال سی و هشتم ♦ شماره ۱۷ ♦ شماره مسلسل ۱۵۵۹ ♦ نیمه اول آذر ماه ۱۳۹۶ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان ♦

یک سند تاریخی:

نظریه و توصیه آیت الله کاشانی درباره زرتشتیان ایران



... تقریباً یک ربع قرن پیش، فصلنامه ای تحت عنوان: «تاریخ و فرهنگ معاصر» از «حوزه علمیه قم» منتشر می‌ساختم که در نوع خود، و در آن برهه از زمان، بی تردید «بی نظیر» بود... در سال دوم انتشار آن، تصمیم گرفتیم که ویژه نامه ای برای آیت الله کاشانی چاپ کنیم و برای همین منظور و تهیه مقالات، با دوستان فرهیخته قم و تهران تماس هایی برقرار شد و در نهایت، مقالات و خاطرات مستند و ارزشمندی تهیه گردید و شماره ۶ سال دوم فصلنامه، به عنوان ویژه نامه آیت الله کاشانی در ۳۰۰ صفحه

منتشر گردید و مورد استقبال و توجه و تقدیر اهالی فرهنگ و تاریخ قرار گرفت. یکی از فرهیختگانی که با آن شماره از مجله «همکاری» کرد، برادر ارجمند و پژوهشگر معاصر تاریخ، جناب آقای ممد ترکمان بود که علیرغم تمایلات سیاسی ویژه، هیچوقت در داوری های خود، از راه عدل و انصاف دور نمی شود و به خاطر گرایش های سیاسی، از ارائه حق و حقیقت چشم پوشی نمی کند... آقای ترکمان وقتی مطلع شد که ویژه نامه ای درباره آیت الله کاشانی منتشر خواهد شد، یک سند ارزنده تاریخی از آیت الله کاشانی، در رابطه با احقاق حقوق هموطنان زرتشتی برای ما ارسال داشت که توصیه ایشان به مسئولین حکومتی وقت، در مورد حق شهروندان زرتشتی ایران بود... که در مجله به چاپ رسید. و اکنون با توجه به مشکل غیرضروری و قابل اجتنابی که بعضی از آقایان «معمربین قوم» برای نمایندگی وکالتی یکی از هموطنان زرتشتی ما در یزد. آقای سپنتا نیکام. ایجاد کرده اند، چاپ و نشر آن سند را بی مناسبت ندیدم... با ذکر خیری از جناب ترکمان که «کاشف» این سند بوده و امید دارم همتی دوباره کند و اسناد و نامه های آیت الله کاشانی را که با زحمت زیاد جمع آوری نموده و در پنج جلد، در اوائل انقلاب منتشر ساخته بود، با بازنگری و تکمیل، به دست چاپ بسپارند که اجری مضاعف دارد و نوعی احقاق حق درباره شخصیتی است که همچنان و متأسفانه مورد هجمه و حمله گروهی ناآگاه با حقایق تاریخی، به ویژه پس از نشر ناقص گزارش ها. و نه اسناد. نوعاً مجعول سفارت های امریکا، قرار گرفته است... نشر مجدد آن مجموعه آثار یک خدمت ارزشمند به روشن شدن بسیاری از حقایق تاریخی تواند بود..

و اکنون، این سند تاریخی درباره زرتشتیان ایران از شماره ۶ مجله «تاریخ و فرهنگ معاصر» صفحه ۲۲۷-۲۳۰ برای آگاهی عمومی نقل می گردد.

سید هادی خسروشاهی
تهران. ۹۶/۸/۲۰

سندی جدید:
توصیه ای درباره ی زرتشتی ها

محمد ترکمان

سند جدید نامه ای است از مرحوم آیت الله کاشانی به سرلشکر کوپال، رئیس شهربانی کل کشور، در تاریخ نیمه ی خرداد ۱۳۳۱ مبنی بر این که زرتشتی ها از ملل متنوعه و از افراد ایرانی اصیل هستند که باید نسبت به انجام تقاضاهای مشروع آنان عطف توجه گردد.

آیت الله کاشانی در این مکتوب، از وفاداری و خدمتگزار زرتشتی ها نسبت به کشور نیز تجلیل کرده است.

آنچه در این سند بیش از همه قابل توجه و تقدیر است، توجه آیت الله کاشانی به ضرورت حفظ وحدت ملی و دلگرمی صاحبان مذاهب به حفظ حقوق اساسی آنان در زادگاه خود ایران است. تاریخ دو قرن اخیر جهان تحت سلطه، شاهد صادقی است بر کوشش های استعمارگران که از هیچ اقدامی، هرچند غیرانسانی، برای ایجاد بدبینی و افشاندن تخم نفاق و کدورت در میان اقوام و مذاهب مختلفی که در یک واحد سیاسی زندگی می کنند، خودداری نکرده اند تا به اهداف شوم خود که عبارت است از تضعیف و تجزیه و غارت و چپال کشورهای مذکور، دست یابند.

ادامه در صفحه ۵

گفتگویی با استاد
سید هادی خسروشاهی

کارنامه دولت یازدهم

صفحه ۴



آیت الله صفائی بوشهری:

وقف کتاب و وقف زمین برای ساخت کتابخانه نیازمند فرهنگ سازی در جامعه است

صفحه ۸



آیت الله اراکی:

حرکت در مسیر پیامبر اسلام ﷺ سبب رفع مشکلات جامعه می شود

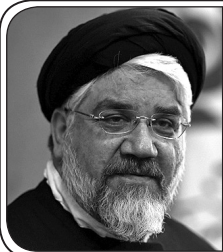
صفحه ۷



رئیس آکادمی مطالعات ایرانی لندن:

اهل بیت علیهم السلام با «مخالفان فکری» با عقلانیت و استدلال برخورد می کردند

صفحه ۳

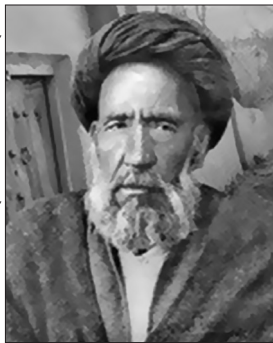


به مناسبت هشتادمین سالگرد شهادت سیدحسن مدرس

فقیه مجاهد، مدرس

شد و در این مدت نقش مهم و تأثیرگذاری ایفا کرد و به سبب استکبار و استبداد پرداخت؛ اما در دوره هفتم مجلس، عوامل ستم اجازه ندادند به مجلس برود و در ۱۶ مهر ۱۳۰۷ به خانه اش یورش بردند و او را دستگیر کرده، به قلعه خواف تبعید نمودند. بعد از نه سال به کاشمر منتقل شد و سرانجام در غروب رمضان ۱۳۵۶ ق (۱۰ آذرماه ۱۳۱۶ ش) با نیرنگ عوامل رضاخان به شهادت رسید. اکنون مرقدش در این شهر زیارتگاه مردم است.

غنی نفس و قناعت



یکی از برجسته ترین ویژگی های شهید آیت الله مدرس قناعت و ساده زیستی بود. او از آغاز زندگی تا انتهای عمر بابرکتش از این شیوه دست برنداشت. مدرس در این میدان و نیز از نظر مصرف کالاهای وطنی گوی سبقت از همگان ربود. لباسش همیشه بافت و دوخت ایران بود. در کف اتاقش دو تخته نمذ پهن شده بود و وسیله پذیرایی او یک منقل گلی، قوری و دو استکان ساده بود. اکثر اوقات، غذای روزانه اش نان و ماست و سبزی و گاهی هم مختصر آبگوشت کم چرب بود.

هر کس می خواست با مدرس ملاقات کند، اعم از وکیل، وزیر و بقال سر گذر، به این اتاق وارد می شد و اگر مراجعه کننده فقیرتر و عادی تر بود، مدرس بیشتر از دیگران به او احترام می نمود و خالش را رعایت می کرد. در مورد افراد سرشناس و صاحب نفوذ تعارفات را کمتر معمول می داشت.

در سفری که مدرس به روستای اسفه (که مدتی در آنجا زندگی کرده بود) رفت، آسیای این آبادی را که از موقوفات مدرسه چهارباغ اصفهان بود، تعمیر کرد تا از این طریق، هم مشکلات مردم آن روستان برطرف شود و هم به طلبه های این مدرسه کمک کرده باشد. در همین آبادی خانه پدری خود را به دو حمام عمومی تبدیل کرد، کاروانسرای ساخت و قناتی احداث نمود و دو مجتمع مسکونی به نام قلعه خیرآباد ساخت تا خانواده هایی که دچار مشکل هستند، در آنها اقامت نمایند.

در مهیار اصفهان هم پلی ساخت تا مردم هنگام تردد، با دشواری و زحمت مواجه نگردند. شترداران مهیاری براساس نذری که داشتند، خانه ای مخروبه در اصفهان برای مدرس خریدند. مدرس برای تعمیر این خانه شخصا خشت تهیه کرد و پس از آنکه به آن سرو سامانی داد و تا حدودی آماده سکونت شد، خانواده اش را در آنجا اسکان داد.

ادامه در صفحه ۲

غلامرضا گلی زواره
فقیه مجاهد، عالم پرهیزگار، شهید مدرس از سادات طباطبائی زواره است و نسبش به حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام می رسد. پدرش سید اسماعیل و جدش سید عبدالباقی طباطبائی در منطقه اردستان و زواره مشغول فعالیت های تبلیغی بوده اند. سید اسماعیل طباطبائی که در روستای سرباه کچو مشغول وعظ و ارشاد مردم بود، با طائفه سیدسالار زواره نسبت دوری داشت که بعد از ازدواج با خدیجه طباطبائی، این پیوند قوی تر گردید. محصول این پیمان پاک، کودکی است که در سال ۱۲۷۸ هجری دیده به جهان گشود و سیدحسن نامیده شد.

سیدحسن در شش سالگی همراه پدرش از زواره نزد جدش میر عبدالباقی رفت که قبلاً محله فضل آباد قمشه را به عنوان سکونت برگزیده بود. سید عبدالباقی بیشترین نقش را در تعلیم و تربیت نواده اش ایفا کرد و او را در مسیر علم و تقوا قرار داد. مدرس چهارده ساله بود که این مربی عالیقدر را از دست داد. او در سال ۱۲۹۸ ق برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت و به مدت سیزده سال محضر سی استاد از جمله: میرزا عبدالحی هرنندی، ملا محمد کاشی، جهانگیرخان قشقایی، سید محمدباقر درچدانی و شیخ مرتضی ریزی را درک کرد و به برکت توان علمی این مربیان و فراست ذاتی و همت وافر خود، در علوم عقلی و نقلی مهارت هایی به دست آورد. برای اتمام تحصیلات به نجف اشرف رفت و در سال ۱۳۱۱ ق برای مدتی کوتاه از فیض وجود میرزای شیرازی استفاده نمود و در نجف با عارف نامی شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی هم حجره گردید. در خارج فقه و اصول از جلسه درس آیات عظام سید محمد طباطبائی فشارکی زواری و شیخ الشریعه اصفهانی بهره مند گردید.

پس از رسیدن به مقام اجتهاد، به روستای اسفه از توابع قمشه رفت و دیداری با بستگان داشت، آنگاه به اصفهان رفت و به تدریس منطق، شرح منظومه و خارج فقه و اصول مشغول شد و به دلیل تبخّر در تدریس، به «مدرّس» معروف شد.

او در دوره دوم مجلس شورای ملی از سوی فقها و مراجع تقلید، به عنوان «مجتهد طراز اول» به مجلس راه یافت تا همراه چهار مجتهد دیگر بر قوانین مصوب مجلس نظارت داشته باشد. مدرس در دوره سوم، چهارم، پنجم و ششم مجلس نیز از سوی مردم تهران به عنوان نماینده آنان برگزیده

ادامه از صفحه اول

مدرس با این نوع زندگی در برابر زورمندان و از جمله استعمار و استبداد ایستاد، زندان‌ها و زجرها کشید و چندین بار هم ترور نافرجام شد؛ ولی قدمی به عقب نهاد و تا آخرین لحظه زیر بار ذلت نرفت. خود او می‌گفت: «اگر من نسبت به بسیاری از امور اظهار نظر می‌نمایم و حرف حق را بدون پروا از این و آن، بر زبان می‌آورم، به علت آن است که چیزی ندارم و از کسی هم چیزی نمی‌خواهم. اگر شما هم بار خود را سبک کنید و توقع را کم نمائید، آزاد می‌شوید.»^۵

او در زمانی که در نجف مشغول تحصیل بود و نیز هنگامی که در تهران تولیت مدرسه سپهسالارا عهده‌دار بود و باز در ایامی که در سنگرمجلس فعالیت می‌کرد، برای تأمین مخارج روزانه کاری می‌کرد.^۶

جویبارهای ساده‌زیستی و دولت فقر

مدرس میراث گرانقدر زهد و وارستگی را از خاندان و اجداد طاهرینش به ارث برده بود، و با رفتار و کردار خویش، دیگران و خانواده‌اش را به این نوع زندگی تشویق می‌نمود. برادرش مرحوم سید علی اکبر می‌گوید: من چهارده سالم بود که برادرم مدرس مرا برای ادامه تحصیل به اصفهان برد و در مدرسه جده اتافی برایم گرفت و مشغول فراگیری درس سیوطی شدم. پس از يك هفته وی استادم را عوض کرد و چون علت این تغییر را پرسیدم، گفت: «آن معلم کار و بار خوبی داشت. اتاقش با فرش قالی مفروش بود و در محل زندگی‌اش وسایل اعیانی و اشرافی دیده می‌شد؛ ولی تو از این امکانات بی‌بهره بودی و این وضع در تو اثر روحی می‌گذاشت.»^۷

او به خانواده‌اش توصیه می‌کرد: «نماز بخوانید، قناعت کنید، کشاورزی و دامداری نمائید، لباس وطنی بپوشید تا از وابستگی به دیگران بی‌نیاز شوید.» در نامه‌ای به فرزندش سید اسماعیل نوشت: «امور شما مثل من باید به زراعت بگذرد و اسباب کشاورزی مال خودتان است و نیاز به غیر نباشید.» اهل خانه را توصیه به این واقعیت می‌کرد که: «حاجت‌ها را از خداوند متعال بخواهید و از دیگران قطع امید کنید؛ چون درهای رحمت الهی هیچ وقت به روی کسی بسته نمی‌گردد.»^۸ به همین دلیل دکتر میلسپو. مستشار مالیه و رئیس خزانه‌داری وقت که در سال ۱۳۰۱ش به استخدام دولت ایران درآمد. در باره‌اش نوشت: «شهرت مدرس بیشتر در این است که برای پول اصلا ارزشی قائل نمی‌باشد. در خانه‌ای ساده زندگی می‌کند و در ملاقات با او محال است کسی تحت تأثیر سادگی او قرار نگیرد.»^۹

مدرس اول خود مسیری زاهدانه و توأم با قناعت درپیش گرفت و بعد، از طریق این نوع زندگی توانست به درد محرومان و افراد کم‌بضاعت پی ببرد. او در تمامی لحظات عمر از مستمندان غافل نبود. فاطمه بیگم مدرس. فرزندش. می‌گوید: بسیار اتفاق می‌افتاد پدرم بدون قبا و حتی شلوار درحالی که عبايش را به دور خود پیچیده بود، به خانه می‌آمد و می‌دانستیم که لباسش را به برهنه‌ای بخشیده است. روزی به او گفتم: «اجازه دهید چند ذرع کرباس در خانه داشته باشیم تا بتوانیم در چنین مواقعی برایتان لباس تهیه کنیم.» پاسخ داد: «امکان دارد ما آن را ذخیره کنیم، ولی دیگری به آن نیاز مبرمی داشته باشد!»

در یکی از روزها، عده‌ای فقیر به او رسیدند و کمک مالی خواستند. در آن هنگام مدرس پولی در جیب نداشت، لذا از بقال محله که همیشه از او خرید می‌نمود، مبلغی قرض کرد و به آن بینوایان داد.

در یکی از روزها مالکی از شهرضا نزد مدرس می‌آید و اصرار می‌نماید تا مقداری از املاک روستای

مهدی‌آباد را به وی واگذار کند. مدرس می‌گوید: «مگر تو قوم و خویش فقیر نداری و چرا این زراعت را به عنوان صله ارحام به آنان نمی‌بخشی؟» مالک می‌گوید: «خویشاوند درمانده دارم؛ ولی مایلم این آب و ملک را به شما تقدیم کنم.» مدرس وقتی این سخن را می‌شنود، از شدت خشم برافروخته می‌شود و می‌گوید: «باید این زراعت را به بستگان مستمند بدهی تا ذخیره‌ای برای آخرت تو باشد.» آن مرد ناامید می‌شود و خانه مدرس را ترک می‌کند.^{۱۰}

مدرس وقتی می‌خواست از اصفهان به تهران برود تا در مجلس دوم حضور یابد، در حوالی نطنز توقف کرد و در یکی از اتاق‌های امامزاده سلیمان در یکی از روستاهای این نواحی بیتوته کرد. متولی امامزاده با وجود تنگدستی به نحو شایسته‌ای از مدرس و همراهان پذیرایی نمود. مدرس از وضع ظاهر وی، پی به ناداری او می‌برد و پرس‌وجو می‌کند، آن مرد لب به سخن می‌گشاد و می‌گوید: «پیرمردی فقیر و عیالوارم، دو دختر بزرگ دارم که هنوز کسی برای خواستگاری آنان نیامده است و از اداره خانه ناتوان شده‌ام.» مدرس در همان شب با کمک کدخدای روستا آن دو دختر را به عقد دو نفر از جوانان روستا درمی‌آورد و بدین‌گونه آن متولی امامزاده را شادمان می‌نماید^{۱۱} و بعد عازم قم و تهران می‌شود.

يك روز عصر که مدرس کنار باغچه منزلش در تهران نشسته بود و به صحبت خانواده فقیری گوش می‌داد و می‌خواست به وضع زندگی آنان رسیدگی کند، به او اطلاع دادند که سه نفر وارد منزلش شده‌اند و تقاضای ملاقات دارند که بعدا مشخص گردید سفیر آمریکا، همسرش و يك نفر مترجم هستند. مدرس نسبت به آنان بی‌اعتنایی کرد و معطلشان نمود و سپس به اتاق خود رفت. آنها هم به دنبالش راه افتادند. مدرس نظری به سفیر و همراهان افکند و چون همسر سفیر، زنی زشت‌رو و آبله‌گون بود، قبل از اینکه باب مذاکره باز شود، این امر را از طریق مترجم به آگاهی سفیر رسانید و از او علت انتخاب این زن زشت را جویا شد. زن سفیر وقتی از این ماجرا مطلع شد، به حالت قهر و عصبانیت از اتاق بیرون رفت و به دنبالش سفیر و مترجم هم خارج شدند وقتی از مدرس پرسیدند: «چرا این‌گونه با آنان برخورد نمودی؟» گفت: «می‌خواستم باب مذاکره گشوده نشود!»^{۱۲}

تأمین اجتماعی

هدف عمده تأمین اجتماعی برقرار امنیت اجتماعی و ثبات اقتصادی، حمایت از محرومان و پرداخت مقرری برای بازنشستگان و درماندگان است. مدرس در سنگرمجلس می‌کوشید با حاکمیت قانون، توجه و اهمیت‌دادن به مردم و ایجاد دلگرمی و روحیه مسئولیت‌پذیری در آنان، زمینه‌های مناسب را برای رشد و توسعه جامعه فراهم نماید. واگذاری کارها به مردم و فروش املاک خالصه و واگذاری آنها به منظور احیا یا بابت حقوق کارمندان، تأمین کسری بودجه و اجاره دادن موقوفات از اموری بود که مدرس پی گرفت؛ زیرا اعتقاد داشت این امور فرآیند مزبور را تسهیل می‌نماید.

همچنین کوشید از نفوذ عناصر لابیالی، فاسد و قانون‌شکن در مدیریت اجرایی کشور جلوگیری کند و با فساد اداری، رشوه‌خواری و مفاسد مالی کارگزاران مبارزه نماید. او به هنگام تصویب قانون استخدام کشوری و قانون بازنشستگی در ۲۲ آذر ۱۳۰۱ تأکید نمود: «هنگام استخدام نیرو برای ادارات باید شرایط کارگزاران، نحوه به کارگیری آنها، کارایی دستگاه‌های اجرایی، رابطه بین کار و هزینه‌ها، بازده منطقی و معتدل نیروها و سازمان‌ها و جلوگیری از استخدام نیروها براساس سلیقه و رابطه، مورد توجه جدی قرار گیرد.»



وی در بیانات خود طی دوره ششم مجلس شورای ملی به مسائل اجتماعی و رفاهی عموم مردم از جمله صندوق بازنشستگی، تأسیس بانک برای بازنشستگان جهت فعالیت اقتصادی آنان و سرمایه‌گذاری، اعطای اعتبارات و امتیازات تسهیلات، حفظ قدرت خرید اندوخته‌های کارگزاران، جلوگیری از

کاهش قدرت خرید پول، اهمیت فراوان داد. او که در سطح ساده‌ترین قشر جامعه می‌زیست و درد نیازمندان و محرومان را به خوبی احساس می‌کرد، آنها را ولی نعمت خود می‌دانست و برای بهبود زندگی‌شان می‌کوشید و به فکر تأمین بهداشت، آموزش، خدمات اجتماعی و عمومی آنان بود و در این راستا از هیچ‌گونه تلاشی دریغ نمی‌کرد و در صورت نیاز، از حقوق شخصی چشم می‌پوشید تا کاری عام‌المنفعه صورت گیرد.^{۱۳} مدرس در جلسه ۸۳ مجلس شورای ملی، خاطرنشان ساخت: «دولت باید با تمام قوای خودش جلوگیری کند که قوی صدمه‌اش به ضعیف نرسد و اگر ما بخواهیم به موکلین خود خدمت کنیم، بنده عرض می‌کنم که موکلین من تمامی اهالی ایران است بلااستثنا، و باید صلاح‌بینی برای تمام آنها بکنیم. پس باید دولت قسمی کند که راحتی را برای تمام مردم فراهم کند.»^{۱۴}

در جلسه ۱۹۰ مورخ ۲۴ آذرماه ۱۳۰۱ با دریغ و درد گفت: «دوره مجلس هم نزدیک به انقضاست و هنوز در مسأله اقتصاد قدمی برداشته نشده است.» در بخشی از نطق این جلسه در خصوص رفع نابسامانی اقتصادی و فقر مالی می‌گوید: «علاج این کار منحصر به این است که مخارج را کم کرده و به هرچه داشت قناعت کرد. والا در سال که پنجاه کرور، صد کرور جنس که از خارج وارد می‌شود، لابد باید يك چیزی در مقابل ببرند. جنس که نمی‌برند، پول می‌برند. این وظیفه خود مردم است که حاضر شوند و از امتعه خارج به قدر احتیاج استعمال کنند و زیاد افراط نکنند. آقایان این مذاکرات را ختم کنند و يك ترتیبی بکنند که راپرت به اجناس واردی (واردات) از کمیسیون فوائد عامه به مجلس بیاید و تکفای‌اش معلوم شود، بلکه ان‌شاءالله يك خدمت اقتصادی به مملکت کرده باشیم.»^{۱۵}

او در جلسه ۱۰۴ مورخ دی ۱۳۰۳ از اینکه عوارضی بر اجناس و کالاهای مورد احتیاج مردم تحمیل شده، سخت انتقاد کرد و در مخالفت با این لایحه افزود: «مخارج لازم برای شهری مثل تهران باید از اهل آن شهر گرفته شود و آن را هم باید از افراد مرقه دریافت نمود که این شیوه به عدل و انصاف نزدیکتر است.» او که با تحمیل عوارض بر قشرهای کم‌درآمد جامعه موافق نبود، در ادامه پیشنهاد کرد: «عوارض از کالاهای تجملاتی که مورد استفاده اقشار مرفه جامعه است، گرفته شود و افزود: يك خرجی داریم و يك برچی و به عقیده من عوارض باید بر برج تحمیل شود نه بر خرج. این تحمیل‌ات را نباید بر اوراق عمومی کرد و باید حسابش را نمود که چه تحمیلی بر مردم زحمتکش کمتر است و در عین حال برای اقتصاد مملکت هم نافع است.»^{۱۶}

در این بیانات دل‌مشغولی مدرس به قشرهای کم‌درآمد و عدالت‌محوری مطرح است.

بودجه و مالیات

از هدفهای مدرس در مجلس شورای ملی، ایجاد نظام مالیاتی عادلانه و مفید، تصویب بودجه منطقی و مطابق با واقعیت‌های جامعه و اصلاح ساختار اداری بود. او تأکیدهای مدرس این بود که اول باید بودجه اصلاح گردد و هرچه امکان دارد، تقلیل داده و صرفه‌جویی شود و سپس به موضوع ازدیاد عایدات و درآمدها توجه گردد و نیز باید بودجه‌ای که تصویب می‌گردد، در محل خود

به مناسبت هشتادمین سالگرد شهادت سیدحسن مدرس

فقیه مجاهد، مدرس

صرف شود.

به باور مدرس، منابع، مصارف، عایدات و اصلاح هزینه‌ها در عرض هم نیستند و اولویت باید با کاهش هزینه‌ها، افزایش کارایی دستگاه‌های دولتی، جلوگیری از استخدام‌های بی‌مورد، توجیه کارهای عمرانی و تخصیص بهینه منابع و عایدات کشور باشد. نباید از هزینه‌ها به سراغ درآمدها رفت. نباید رقم‌های ساختگی و غیر واقعی را برای درآمدها پیش‌بینی کرد و بر این اساس بودجه تنظیم نمود.^{۱۷}

در جلسه ۳۱ مورخ ۵ مهر سال ۱۳۰۰ خطاب به هیأت دولت حاضر در مجلس گفت: «ما دیگر به جهت مخارج جاری مملکت دیناری قرض نخواهیم کرد» و در ادامه افزود: «البته هرکس عقیده داشته باشد که این مملکت برای ایرانی بماند، باید مال عموم را خرج مصارف عمومی بکند، هر کس کار خصوصی دارد، از بیت‌المال نمی‌شود به او پول داد... کسی که کار نکرده و خدمت نکرده، نباید مزد بگیرد. کسی پول بلاعوض و مجانی نگیرد.»^{۱۸} در ادامه گفت: «همه اعم از نخست‌وزیر، نمایندگان و کارمندان خدمتگزار خلق اند. محرومان و مستمندان حساب دیگری دارند و باید آنها را تحت پوشش قرار داد.» در بخش دیگری از بیانات خود گفت: «من با مسأله حذف و تقلیل مخارج موافقم، بیت‌المال عمومی مسلمین را نباید مفت به کسی داد.»^{۱۹}

در جلسه ۳۱۰ مجلس گفت: «آیا وکلای ملت و هیأت دولت در مقام این هستند که این مملکت خراب ما رو به آبادی برود یا خیر؟ و اگر کسی يك زحمتی کشید، اتکال داشته باشد به این زحمتش تا کم‌کم مردم رغبت کنند و این خرابی را آباد کنند. امیدوارم که تمام ملت و دولت در این خیال باشند که مملکت ما رو به آبادی برود. بلکه يك جا يك چیزی هم دستی بدهیم تا این که آباد کنند.»^{۲۰} در جلسه ۱۳۰ مورخ اول شهریور ماه ۱۳۰۱ چنین گفت: «حاکم و سانس (برنامه‌ریز و سیاستگذار) جمعیت باید از مال این جمعیت، آن جمعیت را اداره کند و جامعه اداره کردنش در تحت این دو کلمه است: تعمیر البلاد و تأمین العباد. و آن حاکم و سانس اگر بر طبق قانون عمل نکرد، ظالم و متعدی و لازم‌الدفع است.»^{۲۱}

پی‌نوشت‌ها:

۱. مدرس مجاهدی شکست‌ناپذیر، عبدالعلی باقی، ص ۳۲۳.
۲. شرح زندگانی من، عبدالله مستوفی، ص ۲۴۳.
۳. داستان‌های مدرس، از نگارنده، ص ۶۰.
۴. یادنامه مدرس، ص ۷۲.
۵. شهید مدرس ماه مجلس، از نگارنده، ص ۷۴.
۶. مقاله نون جو دوغ گو، محمد ابراهیم باستانی پاریزی، مندرج در کتاب محیط ادب.
۷. مدرس مجاهدی شکست‌ناپذیر، ص ۱۲۹-۱۳۰.
۸. همان، ص ۲۳۰-۲۲۹.
۹. مأموریت آمریکایی‌ها در ایران، میلسپو، ترجمه حسین ابوترابی‌ان، ص ۱۲۷.
۱۰. مدرس، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ج اول، ص ۲۱۴.
۱۱. داستان‌های مدرس، ص ۱۱۵.
۱۲. همان، ص ۱۴۷.
۱۳. دیدگاه‌های اقتصادی شهید مدرس، دری نجف‌آبادی، ص ۳۷-۳۶.
۱۴. مدرس در پنج دوره تقنینیه مجلس، به کوشش محمد ترکمان، ج ۱، ص ۲۶۸.
۱۵. همان، ص ۳۷.
۱۶. همان، ص ۱۳۴ و ۱۳۶.
۱۷. دیدگاه‌های اقتصادی مدرس، ص ۶۹.
۱۸. آرا و اندیشه‌ها و فلسفه سیاسی مدرس، محمد ترکمان، ص ۶۰-۵۹.
۱۹. دیدگاه‌های اقتصادی مدرس، ص ۳۱.
۲۰. مدرس در پنج دوره تقنینیه مجلس، ص ۳۴ و ۵۹.
۲۱. همان، ص ۳۱۶.

اندیشه خودمان را در معرض افکار عمومی قرار می‌دهیم. بنابراین دعوت به اسلام را هیچ‌گاه با خشونت و زور به کسی تحمیل نکردیم بلکه همواره با دعوت همراه بوده است. کاری که طالبان و داعش و القاعده می‌کنند، مخالف سنت نبوی و سنت اهل بیت (علیهم‌السلام) است. هر کدام از اهل بیت (علیهم‌السلام) با روش عقلانی، منطقی و استدلالی همواره با مخالفان خود برخورد می‌کردند. ما می‌گوییم اکنون جریاناتی مثل طالبان و داعش و ... که خود را مسلمان معرفی می‌کنند، با صهیونیسم جهانی و حکومت آمریکا دوروی یک سکه هستند که هدفشان تخریب اسلام است و خواهان حاکمیت ظلم و جور در جهان هستند. اما در یک طرف، کشوری به نام ایران است که جهان را دعوت به گفت‌وگو و تعقل، به صلح عادلانه، اخلاق و معنویت می‌کند و ایران امروز نماد این فرهنگ و تمدن است.

اما اسلام رحمانی متعلق به قرآن و سوره‌های قرآن است. اساس قرآن بر رحمانیت است؛ تمام سوره‌های قرآن جز سوره توبه با «بسم‌الله الرحمن الرحیم» آغاز شده است، چون این سوره اعلان بیزاری از کفار معاندی است که به جنگ مسلحانه علیه مسلمانان قد علم کرده‌اند و به خیال باطلشان خواهان نابودی اسلام و مسلمانان هستند.

بنابراین همین اسلام رحمانی حاوی جاذبه و دافعه بر اساس ارزش‌های قرآنی و سنت نبوی است. یعنی اساس اسلام دعوت به تعقل، تدبیر، اندیشه و ارائه حق و حقیقت با برهان استدلال به جهانیان است. ما با هیچ‌کسی که مخالف اندیشه ما باشد، جنگ فیزیکی نداریم. اما اگر کشور یا گروهی به بلاد مسلمین حمله مسلحانه بکند، اگر کشوری به تفکر اسلامی حمله مسلحانه کند و متفکران اسلامی را ترور کند، اسلام به ما اجازه دفاع داده که این موضوع یک امر بدیهی و واضح است.

بنابراین مرز ما با رقبای دشمنان و مخالفان اینگونه است که تا زمانی که مبارزاتمان در سطح فکری، فرهنگی و علمی باشد ما نیز در این حد ورود می‌کنیم، اما زمانی که حملات به صورت نظامی باشد، ما نیز وظیفه خود می‌دانیم وارد مبارزه نظامی و فیزیکی شویم. منتها باید از قبل آنچنان از جهت تسلیحات نظامی قدرت پیدا کنیم که جرأت ورود نظامی با کشورمان را نداشته باشند که این را قرآن در آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ؛ و هر چه در توان دارید آماده کنید» به ما آموخته است.

بنابراین هم نیاز به تجهیز فکری و هم نظامی داریم. اسلام رحمانی این نیست که از ارزش‌های ناب اسلامی و عزت ملتمان عبور کنیم و راه را برای دشمنان هموار کنیم. اگر کسی اسلام را طوری تعریف کند که به معنای وادادگی در مقابل مزدوران باشد، غلطی آشکار و خطری غیر قابل جبران است.

پس ما نباید اسلام رحمانی را از ابتدا منکر شویم بلکه اساس آن در قرآن است و از سوی دیگر نباید اسلام رحمانی را طوری تعریف کنیم که نتیجه آن ذلت و شکستگی در مقابل مزدورانی همچون آمریکا و صهیونیست جهانی باشد. ایادی ابلیس اکنون با سوءاستفاده از جریانات تفکیکی و ... سعی دارند اسلام را دین غضب و خشم و نفرت معرفی کنند در حالی که اگر مقداری در سیره و تاریخ رسول گرامی اسلام (ص) مطالعه کنیم، درخواست یافت حضرت در اوج اخلاقیات و رفتارهای مثبت قرار داشتند. خداوند در آیاتی از قرآن به همین حقیقت اشاره می‌کند و می‌فرماید «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «فَمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَئِنَّ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْقَضُوا مِنْ حَوْلِكَ؛ پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُر مهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.»

اهل بیت علیهم‌السلام با «مخالفان فکری» با عقلانیت و استدلال برخورد می‌کردند

تقریب مذاهبی و در مقابل نگاه مستشرقین ناآگاه به قرآن است که سعی دارند قرآن را در مقابل عقل و علم و هنر قرار دهند. در این دانشنامه چهره ناب قرآن که در پرتو روایات و پرتو سنت‌های تفسیری ما دیده می‌شود، معرفی شده است.

تا چه حد در زمینه علمی تبلیغی موفق بوده‌اید و با چه چالش‌هایی مواجه شدید؟

به قدری موفق بودیم که تا به حال چندین تز راجع به فعالیت‌های مطالعات ایرانی لندن نوشته شده است. در کتاب‌های مختلفی که به انگلیسی منتشر شده است، نیم صفحه یا یک صفحه درباره فعالیت‌های آکادمی و به خصوص مجله ... منتشر شده است. تخصص خودم مثنوی مولوی است که آثارم در دانشگاه‌های آمریکا و انگلیس تدریس می‌شود و حتی بی‌بی سی اعتراف کرده که جدیدترین کاری که در حوزه مثنوی‌شناسی انجام شده است، کار بنده است که «THE STRUCTURE OF Rumi's Mathnawi» و یا «ساختار معنایی مثنوی معنوی» نام دارد. این کتاب جایزه بین‌المللی کتاب سال در ایران را دریافت کرد و به فارسی هم منتشر شده است.

از آنجایی که در آکادمیک ایرانی لندن کار علمی و اجتهادی انجام می‌دهیم و به دنبال گفت‌وگوهای فکری هستیم، مورد استقبال مراکز آکادمیک انگلستان و اروپا قرار می‌گیریم. بنابراین یک نهاد علمی هستیم نه تبلیغی و از دولت ایران هم هیچ مبلغی دریافت نمی‌کنیم و به صورت خودجوش کار علمی انجام می‌دهیم. هزینه ما از طریق فروش مجلات، برگزاری سمینارها، برگزاری دوره‌های علمی در آکادمی، تدریس و ... هزینه مؤسسه را تأمین می‌کنیم.

به نظر می‌رسد موضوع گفت‌وگوها صلح که شما اشاره داشتید، یک حد و حدودی باید داشته باشد و اکنون با همین شعار عده‌ای روشنفکر موضوع اسلام رحمانی را مطرح می‌کنند و اذهان عمومی را به این سمت سوق می‌دهند که اسلام حتی در قبال کفار همواره باید از موضع صلح وارد شود. اما در نگاه قرآن و عترت (ع) شاهدیم تا یک حدی صلح رواست و خداوند متعال در آیات قرآن با لحن عتاب با کفار و مشرکین صحبت می‌کند و یکی از ویژگی‌های پیروان رسول‌الله (ص) را شدت در مقابل کفار و مهربانی در قبال خودی‌ها معرفی می‌کند و می‌فرماید «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ». از این رو شاهد نبردهای پیامبر (ص) با کفار و قیام امام حسین (علیه‌السلام) بر علیه کفر زمان هستیم، منتها نه به عنوان آغاز کننده جنگ بلکه در مقام دفاع از حریم اسلام. شما مرز بین اسلام رحمانی با اسلام مقتدر و مایه عذاب و ترس کفار یا به عبارتی امپریالیسم جهانی را چگونه معرفی می‌کنید؟

ابتدا عرض کنم ما حکومت آمریکا را سردمدار استکبار جهانی و بزرگ‌ترین خطر صلح و امنیت جهانی می‌شناسیم. آمریکا کشوری است که بیشترین تسلیحات و کلاهک‌های هسته‌ای را دارد و در عین حال مانع هسته‌ای شدن سایر کشورهاست و کشوری مثل ایران را که خواستار هسته‌ای شدن در راستای ارتقای کیفی و کمی منابع طبیعی و غیر طبیعی است، متهم به برهم زدن ثبات منطقه می‌داند. آمریکا کشوری است که در جنگ ویتنام باعث کشتار وسیع مردم بی‌گناه و غیرنظامیان شد و باعث ویرانی و کشتار عظیم در هیروشیما و ناکازاکی ژاپن شد و در عصر حاضر جنگ‌های متعددی را به صورت مستقیم و غیرمستقیم برپا و از سوی دیگر از تروریست‌ها حمایت می‌کند. بنابراین آمریکا هیچ وقت به فکر صلح نیست بلکه پیوسته به دنبال سلطه بر جهان است و در این مسیر دست به هر اعمال خشونت‌باری می‌زند.

ما می‌خواهیم به جهانیان نشان دهیم که صلح طلب حقیقی ما هستیم و حقوق همه ملت‌ها، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را به رسمیت می‌شناسیم و

ایران را در چارچوب فرهنگ و تمدنش باید شناسایی کرد نه در چارچوب تاریخی شاهان. این نظریه نیز مورد استقبال نخبگان جهانی قرار گرفته است و امروز به عنوان یک جریان فکری در دنیا شناخته می‌شود. بنابراین اگر ایران بخواهد شناخته شود، ایران را باید در بستر سیر تحولات فکری و فرهنگی آن شناسایی کرد و اگر قله‌های فکری ایران شناسایی شود، آن موقع هویت ایران به خصوص پس از اسلام معین می‌شود. فردوسی، سنایی، عطار، مولوی، ابوسعید ابوالخیر، حافظ، سعدی، ملاصدرا، ملامحسن فیض کاشانی و علامه طباطبایی، امام خمینی و رهبر معظم انقلاب نمونه‌های برجسته‌ای از نظام فکری و فرهنگی ایرانند که شناخت ایران باید در چارچوب و پرتو اندیشه‌ها و آرا و سیر کارهای ایشان شناسایی شود و اکنون سیر علمکرد ایشان و تجلیات اندیشه‌ها و رفتارهایشان در هنر انعکاس یافته است.

هدف اصلی‌تان از راه‌اندازی آکادمی مطالعات ایران در لندن چه بود؟

کوشش ما این است که جریان فکری سلیمی را از ایران به اروپا نشان دهیم و در فضایی که رسانه‌های امپریالیستی چهره خشنی را از ایران به جهان غرب مخابره می‌کنند، بتوانیم هویت اصیل، عمیق و معنوی و اخلاقی ایران را به جامعه غرب معرفی کنیم. همچنین تلاش داریم تا نشان دهیم ایران نماد صلح، امنیت، عقلانیت، حکمت و تعامل با جهان و تمدن‌های مختلف است. ایران یک فرصت برای صلح و امنیت جهانی است. بر اساس تاریخ عمیق فرهنگی ایران و بنا بر شخصیت‌های برجسته‌ای که این کشور پس از صدر اسلام دارد، نشان می‌دهد ایران مهد صدور فرهنگ و هنر اصیل اسلامی به سراسر دنیاست. در حال حاضر خطر امنیت جهانی کشورهایی هستند که بمب اتم و هسته‌ای تولید کردند و آن را بر سر غیرنظامیان بی‌گناه ریختند و فرهنگ و تمدن و زیرساخت‌های آنان را مورد تهدید قرار دادند.

بر اساس تحلیلی که به صورت عملی داشتیم، راه گفت‌وگو با جهان غرب به خصوص با نخبگان، زبان عقل، قلب و هنر است؛ لذا ما از طریق مسائل فلسفی، گفت‌وگوهای فلسفی انجام می‌دهیم. قلب نیز در حوزه عرفان است؛ بنابراین از این طریق عرفان اسلام را با انواع عرفان‌هایی که در آنجا موجود است، مورد مقایسه قرار می‌دهیم. همچنین در حوزه هنر اسلامی به خصوص هنر بعد از انقلاب اسلامی ایران که شامل شعر، معماری ایرانی، خوشنویسی، نقاشی‌ها و ... گفتمان‌هایی شکل می‌دهیم. در مقابل جریانی که به دنبال چالش و جنگ بین تمدن‌ها و فرهنگ‌هاست، ما بر سر نیازهای فطری انسان امروز پافشاری می‌کنیم که جوامع امروز در خطر کاهش و نابودی اخلاق و معنویت است.

از این رو اخیراً پنج جلد کتاب شعر معاصر فارسی را به انگلیسی ترجمه کردیم که شامل موسوی گرمارودی، طاهره صفرزاده، سلمان هراتی، قیصر امین‌پورو .. غزه است تا نشان دهیم سنت شعری ایران که حاوی اخلاق، معنویت، صلح، امنیت و گفت‌وگوست، زنده است و بعد از انقلاب اسلامی هم به حیات خودش ادامه می‌دهد و این سنت مبتنی بر اخلاق، معنویت، عدالت و صلح و گفت‌وگوست. لذا این مؤسسه مرجع شیعه‌شناسی و ایران‌شناسی در انگلستان است.

همچنین برخی کتب منتشر شده ما در لندن به انگلیسی عبارتند: «مقایسه ادراک از دیدگاه ملاصدرا و فلاسفه غرب»، «مقایسه علیت از دیدگاه ملاصدرا و فلاسفه غرب»، «مقایسه فلسفه اسلامی و غرب»، «عرفان عملی»، «گفتمان انقلابی در جهان اسلام»، «رابطه ذهن و بدن از دیدگاه ملاصدرا» و ...

جدیدترین کار تحقیقاتی که مؤسسه ما در لندن انجام داد، دانشنامه معاصر قرآن کریم است که کار جمع و تدوین آن حدود ۷ سال طول کشید. این دانشنامه یک منبع زودیاب برای فهم قرآن به زبان روان با تکیه بر منابع معتبر شیعه و سنی و با نگاه

تسنیم: مرز بین صلح پایدار و اسلام رحمانی با اسلام مبارزه و جهاد در مقابل کفار بر اساس قرآن و آموزه‌های نبوی (ص) اکنون یکی از موضوعات مطرح در جامعه است که سردمداران آن عده‌ای روشنفکر هستند که با دستاویز قرار دادن چنین موضوعاتی بنا دارند بسیاری از شرعیتی که دین اسلام دعوت به آن کرده است مثل اصل امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و مبارزه علیه کفر و نفاق را زیر سؤال ببرند.

از این رو به مناسبت ایام ولادت رسول گرامی اسلام (ص) و امام صادق (ع) خدمت حجت‌الاسلام سید سلمان صفوی، رئیس آکادمی مطالعات ایرانی لندن رسیدیم تا از نظرات وی در این باره استفاده کنیم. وی قرآن‌پژوه، مولوی‌شناس، کاشف ساختار مثنوی مولوی، برنده جایزه جهانی کتاب سال «ساختار معنایی مثنوی معنوی» و نویسنده کتب متعدد به زبان انگلیسی و فارسی در حوزه فلسفه مقایسه‌ای، قرآن‌پژوهی و عرفان اسلامی، معاون سابق مرکز اسلامی انگلیس، رئیس فعلی آکادمی مطالعات ایرانی لندن، رئیس مرکز بین‌المللی مطالعات صلح لندن و عضو کنگره فیلسوفان اسکولاستیک ایتالیا است.

صفوی که از نوادگان شیخ صفی‌الدین اردبیلی عارف و شاعر قرن هشتم هجری قمری است که سیادت وی به امام کاظم (ع) می‌رسد. وی تحصیلکرده حوزه علمیه قم تا مرتبه اجتهاد و مشاور عالی امور بین‌الملل دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و دارای دکترای فوق‌دکتر از دانشگاه لندن است و از سال ۱۳۷۶ در آنجا زندگی می‌کند.

درباره آکادمی مطالعات ایرانی لندن توضیح بدهید.

آکادمی مطالعات ایرانی لندن مرکز تحقیقات فرهنگ و تمدن ایران و اسلام که به عنوان یک مؤسسه علمی تحقیقاتی در اروپا ثبت شده است. موضوعات تحقیقاتی این مؤسسه، ادبیات ایرانی، فلسفه اسلامی، عرفان اسلامی، قرآن و هنر اسلامی، تاریخ معنوی و فرهنگی ایران است. دپارتمان‌های مختلفی در این مؤسسه وجود دارد که شامل دپارتمان فلسفه و عرفان، دپارتمان هنر ایرانی اسلامی، دپارتمان قرآن‌شناسی و دپارتمان انتشارات و مجلات است. در این مؤسسه یکسری دروس تدریس می‌شود که شرح مثنوی مولوی جلال‌الدین رومی، شرح دیوان شمس، معنویت اسلامی و اخلاق اسلامی، نقد و تحلیل جامع و زندگی امروز در غرب و نیاز به معنویت از آن جمله‌اند. همچنین برگزاری جلسات و ارتباط با دانشگاه‌ها و رسانه‌های بریتانیا و اروپا از برنامه‌های جانبی مؤسسه محسوب می‌شوند.

این آکادمی پل گفت‌وگوهای فلسفی میان اسلام و غرب است و صدای آن از طریق مجله Transcendent Philosophy «حکمت متعالیه» منعکس می‌شود. این مؤسسه از سال ۲۰۰۰ از سوی آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای، آیت‌الله سیدمحمد اراکی و بنده در لندن تأسیس شد و دارای شماره‌ی شابک معتبر اروپاست. هیئت تحریریه قوی با نام‌های پرفسور ویلیام چیتیک، پرفسور جیمز موریس، پرفسور لندلت داریم. از کشور ایران نیز آیت‌الله محقق داماد، آیت‌الله اراکی، آیت‌الله محمد خامنه‌ای، دکتر داور، اعوانی و ... در هیئت تحریریه مجله نیز عضو هستند. این مجله، مطالعات مقایسه‌ای فلسفه و عرفان اسلامی و غربی را منتشر می‌کند و صدایش در سراسر جهان از جمله آمریکا، اروپا، استرالیا، کانادا و ژاپن و ... در بین نخبگان آن‌ها منتشر می‌شود.

از سوی دیگر آکادمی مطالعه ایرانی به مثابه یک حلقه و یا مدرسه فکری نظیر حلقه فرانکفورت است که مؤسس مکتب فکری ایران‌شناسی فرهنگی و اسلامی در قلب اروپاست. کوشش ما آن است که

در حالی دوره اول دولت داری حسن روحانی تمام شد و رئیس جمهور دوره دیگری را شروع کرده تا بلکه تا سال ۱۴۰۰، موانع را کمتر و فرصت‌ها را بیشتر کند که عده‌ای در داخل همچنان اصرار به کوک ساز مخالف دارند و مشاهدات نشان می‌دهد که روحانی و همکارانش فضایی نه چندان آرام را پیش روی خود می‌بینند. استاد سید هادی خسروشاهی در گفت و گویی با تاکید بر این که: «اگر کارشنکان بگذارند، روحانی کارش را بلد است» به پرسش‌های طرح شده پاسخ می‌گوید.

جواد شمس - نسیم بیداری

آقای دکتر روحانی می‌گوید: «دولت من در شرایطی شروع به کار کرد که وضعیت کشور حتی از روزهای پس از جنگ هم بدتر بود»، آقای خسروشاهی! درباره این اظهار نظر حسن روحانی چه توضیحی دارید؟

توضیح خاصی نمی‌خواهد. مسئولین دولت‌های نهم و دهم که ایداً دوست ندارم اسم نفراولش را به عنوان رئیس جمهوری بیاورم! با ندانم کاری و کارهایی که به قول معروف سر و ته نداشت، کشور را ۸ سال تخریب کردند، ویران کردند و انواع مشکلات ریز و درشت را به مردم تحمیل کردند. روحانی در شرایطی مسئولیت را به عهده گرفت که کشور پدیده‌های کلان داشت و بحران در همه زمینه‌ها خودنمایی می‌کرد. درصد بالای بیکاری و گرفتاری و... موجب شد تا سخت‌ترین حالتی باشد که یک نفر می‌تواند یک دولت را تحویل بگیرد.

شما فکر می‌کنید دولت روحانی دولتی موفق بوده؟ و اگر آری!، به چه دلیل چنین ذهنیتی دارید؟ ایشان بعد از ۸ سال تخریب کامل و همه جانبه کشور کار خود را آغاز کرد و به طور مشخص در عرصه سیاست خارجی به گونه‌ای عمل کرد که فضای تنازع با نظام بین الملل را به تعامل تبدیل کرد تا از این طریق کشورهای مستکبر نتوانند به جمهوری اسلامی ضربه بزنند. البته تعجب آوراست که با وجود همه این توفیقات، هنوز گروهی هستند که همه هم و غم خود را به کار می‌گیرند تا با سیاه نمایی، ذهن جامعه را نسبت به مسئولان بدبین کنند.

با توجه به این که همیشه باید منافع عمومی در اولویت باشد، چطور می‌شود آن‌ها تخریب می‌کنند و چطور می‌شود هیچ نهادی در هیچ جا نمی‌تواند مقابل آنها ایستادگی کند؟

به هر حال همه شاهد بودند که در آن ۸ سال سیاه رئیس دولت موجبات تخریب ملت را فراهم کرد و حالا برعکس شده و همه آن‌هایی که به مشکلات مردم بی توجه بودند، داعیه نگرانی مردم را دارند و به همین دلیل، روز به روز سنگ‌های بیشتری پیش روی دولت قانونی می‌گذارند. این که کدام نهاد باید جلوی آن‌ها را بگیرد، یک بحث دیگری است و در قانون هم پیش بینی‌های لازم به عمل آمده است. ما باید در برهه فعلی، این را در نظر بگیریم که آقای روحانی در چهار سالی که گذشت، مشغول ترمیم خرابی‌ها بود. البته طی ۴ سال هم مقدور نبود که همه ویرانی‌ها را آباد کند. اما انصاف حکم می‌کند که بگویم در راستای حل مشکلات، کارهای خوبی انجام شده است. مسأله دوم که در دولت ایشان انجام گرفت، مسأله برجام بود که باید گفت حتی اگر دولت در این ۸ سال کاری انجام نداده باشد جز به ثمر رساندن برجام، باز هم می‌توان به دولت نمره قبولی داد. به طوری که آیت الله خامنه‌ای فرمودند مردان مذاکره کننده، فرزندان انقلاب هستند. تأکید می‌شود که برجام بزرگ‌ترین خدمتی بوده است که آقای روحانی در آن دوره چهار ساله انجام داده اند که حداقل فایده‌اش این است که بخشی از



هم در دولت دهمش همکاری بخواهد را چطور تحلیل می‌کنید؟

اگر واقعاً بین اصول گراها کسی است که تجربه خوبی دارد و ما از آن استفاده نکنیم، کم لطفی است. به عنوان مثال آقای میرسلیم یک عمر خدمت کرده است، اگر ما بتوانیم از او در یک بخشی استفاده کنیم چرا این کار را نکنیم؟ البته آقای قالیباف را نمی‌گویم، چون با آن همه اتهامات و دروغ‌هایی که در موقع کاندیداتوری گفت، تکلیفش مشخص است و بهتر است که دیگر مسئولیت نگیرد و برود کار دیگری انتخاب نماید و یا

استراحت کند.

با توجه به شرایط کشور، چه توقعی از دولت دوازدهم می‌رود؟

توقع عموم از دولت دوازدهم این است که به مسأله بیکاری و تولید که مقام معظم رهبری هم بارها به آن تأکید نموده‌اند به آن بیشتر توجه شود، توجه کنند. حالا اگر کنسرت هم در جانی برگزار نشود، اشکال زیادی ندارد و ورزشگاه هم اگر بانوان شرکت نکردند، اتفاق خاصی رخ نمی‌دهد این امور مشکلات اساسی جامعه ما نیست. این بد است که مردم نان و آب ندارند بخورند و ما به فکر کنسرت و فریعات دیگر باشیم. ما بیرون هستیم و مردم را می‌بینیم. آن‌ها که بیرون نیستند فکر می‌کنند مردم در رفاه هستند، در حالی که ۵ میلیون بیکار در کشور است و این بیکاری، مصیبتی بزرگ است. البته اگر کارشنکان بگذارند، روحانی کارش را بلد است.

یکی از مطالبات مردم، رفع حصر است، آیا واقعاً رئیس جمهور می‌تواند در حل این مسأله، کاری بکند؟

این مسأله قضایی است و من هم اظهار نظری نمی‌کنم ولی امیدوارم که مشکل به نحوی حل شود.

آثار دکتر حسن روحانی

دکتر حسن روحانی دارای تألیفات، تحقیقات و مقالات علمی فراوانی است که حدود ۱۰۰ اثر از ایشان به صورت کتاب یا مقاله منتشر شده است. همچنین بیش از ۷۰۰ تحقیق راهبردی با مدیریت و نظارت وی در ۲۰ سال گذشته به انجام رسیده است. اهم تألیفات وی به این شرح است:

۱. امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای - ۱۳۹۰
۲. امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران - ۱۳۸۹
۳. اندیشه‌های سیاسی اسلام؛ جلد اول: مبانی نظری - ۱۳۸۸
۴. اندیشه‌های سیاسی اسلام؛ جلد دوم: سیاست خارجی - ۱۳۸۸
۵. اندیشه‌های سیاسی اسلام؛ جلد سوم: مسائل فرهنگی و اجتماعی - ۱۳۸۸
۶. خاطرات دکتر حسن روحانی؛ جلد اول: انقلاب اسلامی - ۱۳۸۷
۷. مقدمه‌ای بر تاریخ امامان شیعه - ۱۳۹۱
۸. سن اهلیت و مسئولیت قانونی - ۱۳۹۱
۹. آشنایی با کشورهای اسلامی - ۱۳۸۷
۱۰. انقلاب اسلامی؛ ریشه‌ها و چالش‌ها - ۱۳۷۶
۱۱. مبانی تفکر سیاسی امام خمینی (ره) - ۱۳۷۸
۱۲. نقش حوزه‌های علمیه در تحولات اخلاقی و سیاسی جامعه - ۱۳۹۰
۱۳. امنیت ملی و سیاست خارجی - آماده چاپ
۱۴. امنیت ملی و محیط زیست - آماده چاپ
۱۵. خاطرات دکتر حسن روحانی؛ جلد دوم: دفاع مقدس - آماده چاپ
۱۶. The Islamic Legislative Power - ۱۹۹۴
۱۷. The Flexibility of Shariah; Islamic Law - ۱۹۹۶

منبع: www.rouhani.ir

جواب دهد، همه مشغول جواب گویی هستیم. وقت آقای روحانی گرفته می‌شود، من معتقدم هیچ کس جواب گوی طرف مقابل خود نباشد. عملکرد انسان نشان می‌دهد که چه کسی مشغول کار است و چه کسی مشغول کارشکنی.

از این بحث بگذریم. شما نکته‌های مثبت دولت یازدهم را چه چیزهایی می‌بینید؟

اگر ما بخواهیم وارد جزئیات شویم، باید بگوییم که از لحاظ بهداشت و درمان و همچنین مدیریت صحیح صنعت نفت، دست آوردهای بسیار ارزشمندی به دست آمده است و به همین دلیل تعجب می‌کنم که چطور عده‌ای این همه جهش مثبت را نمی‌بینند.

نمی‌بینند یا می‌بینند و خودشان را به ندیدن می‌زنند؟

من که گفتم قصد آن‌ها تخریب است و بی تقوایی از این نوع اقدامات اغلب غیرمشرعانه... مثلاً یک آقای می‌آید و ادعا می‌کند که گویا آقای ظریف گفته است که حاضر است سردار سلیمانی را کت بسته تحویل آمریکایی‌ها دهد. سوال این است که آیا انسان عاقل چنین حرفی را می‌زند؟ در حالی که آقای خامنه‌ای فرمودند مذاکره کنندگان فرزندان انقلاب هستند. واقعاً این کارها معلوم نیست چطور به ذهن شان می‌رسد. آیا اصولاً همچو کاری متصور است؟

از نظر شما دولت قبل در کدام کارهای خود بهتر عمل کرده و در واقع ضعف نقطه قوت یازدهم را در چه چیزهایی دیده‌اید؟

من در کل می‌دانم تلاش روحانی و وزیرانش آن بوده است که کارهای مثبتی انجام دهند. نمونه بارز وزیر بهداشت آقای دکتر هاشمی است و بقیه آقایان را هم شما بهتر می‌دانید و به نظر من وزیر محترم نفت و بقیه دوستان هم در حد خودشان خوب ظاهر شدند. منتهی آن که چشمگیرتر و بارزتر است، فعالیت‌های آقای دکتر هاشمی بوده است که خود نیازی به وزارت و این چیزها نداشته است.

دولت دهم و نهم با روحانیت و مراجع خیلی رابطه خوبی نداشت. رابطه دولت یازدهم با روحانیت مخصوصاً آیات عظام چطور بوده است؟

من در آن دوره را دولت نمی‌دانم و حتی حیفم می‌آید بگویم رئیس جمهور و فلان! و به اصطلاح دولت نهم و دهم که می‌خواست حتی روحانیت را گول بزنند که آیت الله جوادی آملی هم به ایشان فرمودند گول زدن حیوانات هم در اسلام مذموم است. فکر کنم داستان را شنیده باشید که آقای احمدی نژاد ادعا کرد که در سازمان ملل هاله نور دور سرش دیده شده است! و به خاطر همین کارها مراجع او را به بیوت و دفتر خود راه نمی‌دادند. اما آقای دکتر روحانی خود فرزند حوزه علمیه قم است. با همه مراجع هم، هم دوره بوده است با هم درس بوده یا شاگردشان بوده است که روابط شان هم الحمدالله عالی است و رفت و آمدشان زیاد است. مراجع اگر تذکراتی هم داشته باشند، خودشان خصوصی یا به طور مکتوب به آقای روحانی اطلاع می‌دهند. آقای روحانی هم حتماً بررسی می‌کند. این که برخی می‌گویند روحانی از اصولگرایان

تحریم‌های ظالمانه برداشته شد. که اتفاقی بسیار تأثیرگذار به شمار می‌رود. از طرف دیگر، آوردن شرکت‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری در ایران را هم باید جدی بگیریم. زیرا اگر سرمایه‌گذاری خارجی نباشد، اشتغال زایی به وجود نمی‌آید و به همین دلیل باید خوشحال باشیم که یک عده‌ای آمدند و قراردادهایی بسته‌اند، یک عده‌ای هم می‌خواهند قرارداد ببندند... نکته بعدی هم این است که ما هواپیماهای ۳۰ الی ۴۰ ساله داشته‌ایم که همه آن‌ها در معرض خطر سقوط و یا حتی زمین گیر بودند

که خوشبختانه دولت یازدهم توانست هواپیماهایی ایمن را برای امنیت مردم خریداری کند. یاد می‌آید یکی از وزیران دولت قبلی گفته بود ما وقتی سوار هواپیما می‌شویم آیت الکرسی می‌خوانیم که نشان می‌دهد پیش از دولت فعلی، خود وزیر مربوطه هم می‌ترسید که سوار بر هواپیما شود. این‌ها ما را به این نتیجه می‌رساند که اگر بگذارند، دولت می‌تواند یکی یکی همه مشکلات را برطرف کند.

گفتید اگر بگذارند. منظور تان چیست و این که چه کسانی نمی‌گذارند و اصلاً چرا نمی‌گذارند؟

حملات ناجوانمردانه دوستانی که یک اصطلاحی برای خودشان دارند و همان دوستانی که حمله می‌کنند به آقای روحانی و گاهی هم به دروغ به ایشان اتهاماتی می‌زنند، آن‌ها نمی‌گذارند. انسان بالاخره انسان است و آقای روحانی هم یک انسان است و ایشان هم افسرده می‌شوند و بازده کاری‌اش کمتر می‌شود. آن‌ها هم دنبال این هستند تا روحانی نتواند موفق عمل کند.

آن آدم‌هایی که به روحانی حمله می‌کنند و دولت قانونی را با چالش مواجه می‌کنند، به چه صورت باید کنترل شوند و این که چه کسانی باید جلوی آن‌ها را بگیرند؟

ظاهراً آن‌ها گوش به حرف خدا هم نمی‌دهند. تکلیف دولت با این چنین گروهی چیست؟ مقابله به مثل یا بی تفاوتی؟

دولت باید در کل اعتنا نکند و پاسخ گوی آن‌ها نباشد و به اصطلاح «دهن به دهن» نشود!

اما بالاخره روی نظر بخشی از مردم تأثیر می‌گذارند.

خیر. نظر مردم وقتی ایشان سکوت کنند، بر نمی‌گردد. اما این که مثلاً رئیس محترم قوه قضائیه یک چیزی می‌گوید و رئیس محترم دولت پاسخش را بدهد، فضا را تنش‌زا می‌کند. بهتر است که این پرسش‌ها و پاسخ‌ها را در جلسات خصوصی خودشان بازگو کنند تا در دید عمومی، مردم را ناراضی نکنند، چون هم جواب‌های دولت مردم را ناراضی می‌کند، هم ادعاهای آن منتقدان.

چطور می‌شود بعد از ۴۰ سال اداره نظام بر اساس اصول اسلامی و اخلاقی، قوه قضائیه رودر روی دولت قرار می‌گیرد؟

این سؤال را باید از رئیس قوه قضائیه پرسید. چرا از من سؤال می‌پرسید؟ ولی این اتهامات که زده می‌شود و شایعه می‌کنند، من در دیوان حضرت امیر دیدم که حضرت می‌فرماید: یک آدم نادانی از روی نادانی و جهل به من حمله می‌کند و من دوست ندارم که به او پاسخ بگویم و وقتی طرف به سفاقتش اضافه می‌کند و من بر حلم اضافه می‌کنم و مانند چوب عود وقتی می‌سوزد، بوی خوشش بیشتر می‌شود. من معتقدم آقای روحانی باید همین کار را بکند.

بالاخره مردم تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

مردم عملکردها را نگاه می‌کنند و خیلی تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند. حالا ایشان هم یک چیزی

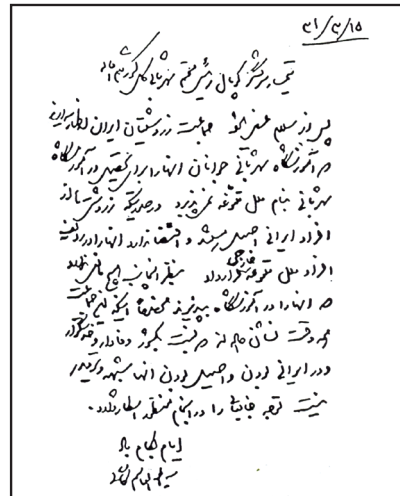
نظریه و توصیه آیت الله کاشانی درباره زرتشتیان ایران

۳۱/۳/۱۵

تیمسار سرلشکر کوپال، رئیس محترم شهربانی کل کشور، دام اقباله

پس از سلام، عرض می‌شود جماعت زردشتیان ایران اظهار می‌دارند که آموزشگاه شهربانی جوانان آنها را برای تحصیل در آموزشگاه شهربانی به نام ملل متنوعه نمی‌پذیرد. در صورتی که زردشتی‌ها از افراد ایرانی اصیل هستند و اقتضا ندارد آنها را در ردیف افراد ملل متنوعه‌ای خارجی قرار داد. به نظر این جانب هیچ مانعی ندارد که آنها را در آموزشگاه بپذیرند، مخصوصاً این که این جماعت همه وقت نشان داده‌اند که نسبت به کشوروفادار و خدمتگزار [ند] و در ایرانی بودن و اصیل بودن آنها شبهه و تردیدی نیست. توجه جناب عالی را در انجام منظور انتظار دارد. ایام به کام باد سیدابوالقاسم کاشانی

لازم به تذکر است که اقدام فوق، تحت عنوان «در آستانه‌ی تحول» در مجله‌ی هوخ منتشره از



مکتوب آیت‌الله کاشانی به سرلشکر کوپال نمونه‌ای دیگر از مساعی مذکور است که متن آن را در ذیل ملاحظه می‌فرمایید:

ادامه از صفحه اول

تنها با برخورد صحیح و منطقی و برخاسته از موضع رحمت و پافشاری بر حفظ وحدت ملی است که می‌توان سد راه استعمارگران در سوء استفاده از تفاوت‌های قومی و مذهبی گردید.

در تاریخ معاصر ایران بارها اتفاق افتاده است که عالمان دینی به هنگام مشاهده‌ی دست‌های مرموزی که در صدد ایجاد خصومت‌های مذهبی و تحریک و تهییج عوام برای دستیابی به آمل نامشروع خود بوده‌اند، بدون هیچ گونه تعللی به دفاع از امنیت و آسایش و پاسداری از حقوق ملل متنوع ساکن کشور پرداخته‌اند و توطئه‌های دشمنان کشور و مردم آن را نقش بر آب ساختند. در همین خصوص، به عنوان نمونه می‌توان از تلگراف تشکر انجمن ناصری زرتشتیان یزد در شوال ۱۳۲۴ ه. ق به آقایان سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی و حاج شیخ فضل الله نوری به دلیل اقدامات ایشان در حفاظت و صیانت از حقوق زردشتی‌های یزد یاد کرد.

درباره آثار علامه طباطبایی

مانده است؟



اکثر پژوهش‌هایی که درباره علامه صورت گرفته و به صورت کتاب منتشر شده، از فضای کلی و عرضه شده علامه پژوهش کرده‌اند و از عمق شخصیت رازآلود و پرمهر و غفلت کرده‌اند. بدتر اینکه در فضای عرفان زده، سطحی و تبلیغاتی امروز، اکثر مطالبی که در این مورد نقل می‌شود بهره کمی از حقیقت دارد. بسیاری از زندگینامه‌هایی که از علامه منتشر شده نیاز به بازنگری و بررسی مجدد دارد. در فضای مجازی هم که نقل قول‌های نادرستی به ایشان نسبت داده می‌شود که حقیقت ندارند.

علامه طباطبایی با بسیاری از شخصیت‌های مهم معاصر در حوزه فلسفه مراد علمی داشت و قطعاً اسناد بسیاری از علامه ممکن است در دست دیگران باشد. از سرنوشت آن اسناد خبری دارید؟

متأسفانه هیچ مرکز و بنیادی برای پیگیری و حفظ میراث علامه طباطبایی وجود ندارد و تلاش فراوان خانواده او به دلیل عدم همکاری دیگران به نتیجه‌ای نرسید. اگر چنین بنیادی تشکیل می‌شد بر نگارش و انتشار زندگینامه‌های نوشته شده از علامه نظارت می‌کرد.

بر این اساس خبر و اطلاع دقیقی از مکتوبات علامه نداریم و احتمالاً بسیاری از آنها در اختیار افراد مختلف است. به عنوان مثال نسخه دست‌نویس «رساله الولایه» را علامه در اختیار دکتر سیدحسین نصر گذاشت، اما ایشان فرصت بازگرداندن آن به علامه را پیدا نکرد. این نسخه دست‌نویس در کتابخانه شخصی دکتر نصر بود که خبری از سرنوشت آن بعد از انقلاب در دست نیست. هرچند که گویا کتابخانه دکتر نصر اکنون در انجمن حکمت و فلسفه نگهداری می‌شود.

گویا مرحوم علامه مجموعه اشعارشان را خود نابود کرده بودند، اما امروزه کتابی از اشعار علامه منتشر شده است. این کتاب تا چه میزان اعتبار دارد؟

بله خود ایشان مجموعه را از بین برده ولی بخشی از آنها به صورت شفاهی زمان خود علامه نقل شده است، بعدها اشعار باقیمانده مرحوم علامه با تلاش محمدرضا رمزی اوحدی از گوشه و کنار جمع‌آوری و تحقیق شده و منتشر شدند. این مجموعه معتبر است و همه اشعار گردآوری شده در آن سروده علامه است.

اینها: علامه سید محمدحسین طباطبایی، فیلسوف مشهور معاصر و صاحب کتاب‌هایی چون «تفسیر المیزان»، «آغاز فلسفه»، «نهایت فلسفه» و «شیعه در اسلام» ۳۶ سال پیش در چنین روزی (۲۴ آبان ۱۳۶۰) در قم درگذشت. به همین مناسبت در تقویم رسمی کشور ۲۴ آبان به نام روز بزرگداشت علامه طباطبایی نامگذاری شده است. علامه طباطبایی در دوره‌ای تدریس فلسفه را آغاز کرد که روی خوشی به این درس در حوزه‌های علمی داده نمی‌شد. بر این اساس تلاش وی به دو دلیل عمده معطوف شد: نخست تدریس فلسفه و تربیت شاگردان و دوم تألیف کتاب. عموم فیلسوفان و پژوهشگران برجسته عرصه فلسفه در حوزه و دانشگاه که امروزه از شهرت خاصی برخوردارند، در دوران تحصیل خود از شاگردان علامه بوده‌اند.

درباره علامه سخن‌های بسیار گفته شده و تألیفات و پژوهش‌های متعددی از سوی صاحب‌نظران منتشر شده است. تعدادی از شاگردان علامه نیز خاطرات خود از زندگی و طریق سیر و سلوک وی را مکتوب کرده‌اند. مجموعه آثار علامه طباطبایی نیز با تلاش و کوشش حجت‌الاسلام سیدهادی خسروشاهی از سوی انتشارات موسسه بوستان کتاب قم به طور مرتب منتشر می‌شود.

به مناسبت روز بزرگداشت علامه طباطبایی با محمدحسین قدوسی، نوه علامه (فرزند شهید آیت‌الله علی قدوسی) گفت‌وگوی کوتاهی داشته‌ایم که در ادامه آن را می‌خوانید.

متن یا کتابی از علامه طباطبایی باقیمانده که منتشر نشده باشد؟

تقریباً همه آثار علامه منتشر شده فقط تقریرات ایشان از دروس فقه و اصول بعضی از اساتید خود هنوز فرصت طبع پیدا نکرده و با وجود تلاش فراوان فرزندان ارشد علامه مرحوم مهندس عبدالباقی طباطبایی برای انتشار آنها این مهم انجام نشد و اکنون نیز شرایط برای انتشارشان آماده نیست. همچنین فراموش نکنیم که حرف‌های ناگفته علامه بیشتر از حرف‌های بیان شده ایشان است. علامه در دوره خود بخش مهمی از نگاه عمیقش به اسلام رحمانی، مباحث سلوکی و معارفی را به دلیل آنکه فضای حوزه‌های علمی و جامعه متدینین آن روز کشش لازم را نداشت، یا بیان نکرد یا به صورت رمزالود گفت.

بنابراین وجه عرفانی علامه اکنون مکتوم

علامه طباطبایی؛ آگاه به روح زمانه

دانند که مرحوم علامه آثار بسیار جامعی نوشت. به یاد می‌آورم که آن زمان دست نوشته‌های ایشان را می‌دیدم که نمی‌دانم اکنون به چاپ رسیده است یا خیر و شاید بعضی از آنها به چاپ رسیده باشد؛ به هر صورت آن زمان اصرار می‌کردیم که اجازه دهد این آثار که واقعا آثار فقهی و اصولی مهمی هم بود چاپ شود ایشان قبول نمی‌کرد.

واقعیت این است که این حرف و همچنین زندگی و رفتار علامه طباطبایی (ره) حکایت از این داشت که به روح زمانه آگاهی دارد و زمان را خوب می‌شناسد و می‌داند که حالا چه چیزی بیشتر لازم است. برای مثال تفسیر که معمولاً در آن زمان میان علما و فقهای حوزه کمتر مطرح بود را درس داد چون احساس می‌کرد برای طلاب لازم است و البته کتاب برجسته «تفسیر المیزان» را هم نوشت.

علامه احساس کرد که فلسفه در آن زمان لازم است و عمرش را برای تدریس فلسفه وقف کرد در حالی که تدریس فلسفه برای زندگی ایشان زبان‌هایی داشت و بسیاری از مشکلات که اشاره نمی‌کنم اما همین قدر بگویم که تدریس فلسفه در آن زمان و در حوزه هم مشکل بود و اعتنایی به آن نمی‌شد؛ با این حال ایشان فلسفه درس می‌داد. کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» را نوشت. آن زمان مکتب‌های مختلفی رواج پیدا کرده بود و مبلغان فراوانی هم داشت، حتی در قم هم مبلغ داشتند، این بود که علامه احساس کرد باید این کتاب نوشته شود.

این بدان معناست که از هر باب که وارد بحث می‌شد و هرچه که می‌نوشت عمیق بود و پایگاه مستدلی داشت. اهل تامل و تعقل بود. در واقع دریافت علامه از مسایل معقوله بود و در بیان هم بسیار معقوله سخن می‌گفت، البته شاید در خیلی از جلسات نمی‌توانست آنها را مطرح کند اما در جلساتی که ما به صورت شبانه داشتیم مسایل را طرح می‌کرد که بسیار استفاده می‌بردیم.

یک فیلسوف مسلمان طبیعتاً سعی می‌کند تا عقاید ایمانی خود را معقول کند و معقول ببیند و این خصلت در همه فیلسوفان مسلمان از جمله علامه طباطبایی (ره) وجود دارد. علامه یک فیلسوف و یک مسلمان واقعی است؛ یک شیعه واقعی و اهل تامل و تعقل بود و همان طور که گفتم در مسایل مختلفی که با ایشان صحبت می‌کردیم همواره به طرز خارق‌العاده‌ای معقوله مباحث را ارائه می‌کرد.

غلامحسین ابراهیمی دینانی، چهره ماندگار فلسفه و از شاگردان برجسته مرحوم علامه طباطبایی (ره) در گفت‌وگو با شبستان که به مناسبت ۲۴ آبان «روز بزرگداشت علامه طباطبایی (ره)» انجام شد، در مورد آشنایی خود با این فیلسوف و مفسر بزرگ قرآن، اظهار کرد: به یاد می‌آورم زمانی که طلبه حوزه بودم ایشان استاد معروفی بود و جلسات مختلف درس داشت. من در جلسات درس روزانه ایشان می‌رفتم و از مباحثی که در این جلسات داشت، استفاده می‌کردم.

وی ادامه داد: اما به تدریج به جلسات درس شبانه ایشان نیز راه یافتیم که در آن جلسات تعداد شرکت‌کنندگان از تعداد انگشتان دست کمتر بود. خودشان اشارتی کرد که من در آن جلسات شرکت کنم.

علامه طباطبایی (ره) در آن جلسات شبانه اندیشه واقعی خود و آنچه که در دل داشت را بیان می‌کرد و من تا وقتی که قم بودم در این جلسات حضور داشتم، بعدها نیز در تهران علامه را همراهی می‌کردم و در جریان مباحثاتی که با هانری کرین داشت همراه ایشان بودم.

عمده مباحث حول محور معنویت بود. مرحوم علامه طباطبایی (ره) فیلسوف و عارفی حقیقتاً معنوی بود و هانری کرین نیز انسانی معنوی بود هرچند که کرین مسیحی بود ولی شاید از هر شیعه‌ای شیعه‌تر بود یا لاقلاً کمتر از هیچ شیعه‌ای نبود و در واقع یک شیعه تمام‌عیار بود اما اظهار نکرد؛ این چنین بود که مباحث بیشتر حول مسائل معنوی و مواردی که امروز می‌تواند در جهان منشاء اثر باشد و بشر به آن نیازمند است در جریان بود و علاوه بر آن کرین در مورد مسیحیت و علامه در مورد اسلام مواردی را مطرح می‌کردند.

او فقیه، اصولی بزرگ و البته فیلسوف بود. شاگردان خوبی تربیت کرد که برخی در قم و برخی هم در تهران هستند و همه آنها را می‌شناسند.

علامه فیلسوف بود و آثار متعددی از خود به یادگار گذاشت. تفسیری که علامه بر قرآن کریم نوشت اگر نگوییم بهترین تفسیر اما جزو بهترین‌ها به حساب می‌آید. علامه «حاشیه بر اسفار» را نیز نوشت. اصول فلسفه و روش رئالیسم را نوشت. آثار علامه در فقه و اصول و حوزه‌هایی که در آنها می‌نوشت بسیار برجسته بود. او فیلسوفی تمام‌عیار و آزاداندیش به معنای واقعی کلمه بود.

ایشان آثار متعددی نوشت که می‌شناسید و کسانی هم که اهل مطالعه و دقت نظر باشند می‌

دکتر سیدمرتضی کاظمی دینان*: بعد از اوجگیری اعتراضات مردمی در بحرین از ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ تاکنون، رژیم بحرین به‌طور مستمر و البته با شدت و ضعف‌هایی به سرکوب و قلع‌وقمع معترضان مشغول بوده است، به نحوی که تعداد زیادی زندانی از جمله برخی زنان و کودکان، در زندان‌های بحرین در معرض شدیدترین شکنجه‌ها و رفتارهای غیرانسانی قرار دارند. آمارهای رسمی نشان می‌دهد بحرین رتبه نخست را در زمینه تعداد زندانیان در جهان عرب داراست و از هر ۱۰ هزار بحرینی، ۳۰ نفر در بازداشت هستند.

بر مبنای همین آمارها، از سال ۲۰۱۱ تا حال حاضر ۱۲ هزار نفر دستگیر شده‌اند که از این تعداد ۹۶۸ نفر کودک و ۳۳۰ نفر نیز زن هستند و ۴۸۰۰ نفر از این افراد دستگیرشده، شدیداً شکنجه شده‌اند. در حال حاضر نیز حدود ۴ هزار زندانی سیاسی در بحرین وجود دارد که این عدد، ۲ برابر ظرفیت زندان‌های این کشور است. این وضعیت وخیم باعث شده اخیراً برخی رسانه‌های منطقه، زندان‌های بحرین را «گورستان زندگان» بنامند. حال با عنایت به این شرایط سوال اساسی این است: آینده تحولات بحرین به کدام سو می‌رود؟ به نظر می‌رسد اقدامات حکومت بحرین بویژه فشار شدید حکومت بر آیت‌الله شیخ عیسی قاسم، رهبر معنوی شیعیان و سلب تابعیت وی و تلاش چندباره برای دستگیری و محاکمه ایشان (که هر بار با اعتراضات شدید و دامنه‌دار مردمی مواجه شده است)، موجب شکل‌گیری نوعی رویارویی جدی و هم‌زمان و قهر مخالفان با حکومت شده و زمینه‌های گفت‌وگو و رایزنی بین آل خلیفه و منتقدان را تا حدود زیادی کمرنگ کرده است. به بیان دیگر، معترضان و منتقدان آل خلیفه به این نتیجه رسیده‌اند که چاره‌ای جز اعتراضات و اعتصاب برای رساندن صدای اعتراض خود نه به گوش حکومت، بلکه به گوش جهانیان ندارند، بویژه اینکه اکثر رسانه‌های رسمی جهان عرب نیز تممداً پوشش تحولات بحرین خودداری کرده و آن را سانسور می‌کنند. اعتصاب غذای چندین نفر از زنان زندانی سیاسی در بحرین در روزهای اخیر که

ابنا: سخنگوی رسمی مقاومت اسلامی نُجباء در کنفرانس خبری سالانه خود که در مقر مرکزی این جنبش در بغداد برگزار شد، ضمن تبریک نابودی قلمروی خودخوانده شبکه تروریستی داعش به ملت و دولت عراق و سوریه، اظهار داشت: داعش یک طرح استکباری خطرناک بود و به اعتراف رییس جمهور فعلی و وزیر خارجه اسبق آمریکا، توسط ایالات متحده تأسیس شد. «سید هاشم الموسوی» با بیان اینکه «تروریسم داعش از فتاوای علمای ناتو شکل گرفت»، تصریح کرد: آمریکا به دنبال خلق جنگ داخلی بین مسلمانان است تا رژیم صهیونیستی در امان مانده و آسیبی نبیند.

وی افزود: هدف اصلی از تأسیس داعش نیز تخریب چهره اسلام بود و رسانه‌های غربی تلاش کردند که جنگ در عراق را جنگ طائفه‌ای بین شیعیان و اهل سنت قلمداد کنند.

عضو ارشد سازمان بسیج مردمی (الحشد الشعبی) عراق، برنامه بعدی این گروه تروریستی را عزیمت به آفریقا عنوان کرد و گفت: کشورهای غربی و آمریکا در حال تقویت تروریسم در منطقه آفریقا هستند و داعش هنوز برای تحقق اهداف کشورهای مستکبر، پشتیبانی مالی و تسلیحاتی می‌شود.

در اعتراض به شرایط غیرانسانی و بدرفتاری و تحقیر زندانبانان با آنها صورت گرفته، مصداقی برای این مدعاست.

نقض آشکار حقوق بشر در بحرین و سکوت غرب

اخیراً «باقر درویش» رئیس انجمن حقوق بشر بحرین نیز از روش‌های گوناگون و متنوع رژیم آل خلیفه برای سرکوب و نقض حقوق بشر در بحرین و شکنجه معترضان زندانی پرده برداشته است. وی ۲۱ روش را در این زمینه برشمرده است که مواردی همچون بی‌توجهی و عدم رسیدگی به وضعیت زندانیان بیمار و مجروح، جلوگیری از دسترسی زندانیان به آب شرب سالم، ممانعت از استفاده زندانیان از نور آفتاب، ضرب و جرح و تهدید آنها و خانواده‌های‌شان در این دسته قرار می‌گیرند. به موازات سرکوب شدید زندانیان سیاسی بحرینی توسط رژیم آل خلیفه، این رژیم سرکوب نهادها و مؤسسات انقلابی در کشور را نیز به پیش می‌برد. در همین ارتباط، اخیراً رژیم آل خلیفه مدعی شد «جمعیت وعد» از تروریسم حمایت می‌کند. دادگاه استیناف بحرین اعلام کرد «جمعیت وعد» با «جمعیت وفاق ملی اسلامی» که پیش‌تر منحل شده، اعلام همبستگی کرده است. درست به همین دلایل، دادگاه استیناف بحرین که در واقع تحت تأثیر القاتل آل خلیفه قرار دارد، حکم انحلال «جمعیت وعد» را تأیید کرد. همچنین ابراهیم الشریف، موسس سنی‌مذهب و سکولار این جمعیت توسط دادگاه آل خلیفه به اتهام تحریک علیه نظام به زندان محکوم شد. البته چنین به نظر می‌رسد که رژیم آل خلیفه نیز به واسطه دستگیری و بازداشت یا تهدید رهبران اصلی معترضان نظیر شیخ علی سلمان و شیخ عیسی قاسم و منحل کردن گروه‌ها و احزاب اصلی منتقد، از قدرت و توانمندی خود در کنترل اوضاع مطمئن شده است و تلاش چندانی برای تغییر رویه خود در قبال معترضان نخواهد کرد. به عنوان مثال، در هفته‌های اخیر، ماموران آل خلیفه ۱۰ نفر از جوانان شیعه بحرینی را به بهانه دست داشتن در انفجاری تروریستی در منطقه «جد حفص» که به کشته و زخمی شدن ۹ پلیس بحرینی انجامید، بازداشت و زندانی کردند. همچنین مجدداً ماموران آل خلیفه برای چندمین بار به منزل آیت‌الله شیخ عیسی قاسم هجوم برده‌اند و به تهدید ایشان

آینده بحرین به کدام سو می‌رود؟

کشورهای همسایه کنار نخواهد آمد. ثالثاً شیعیان بحرینی پیوند نزدیکی با شیعیان سعودی دارند، به گونه‌ای که هر نوع موفقیت شیعیان بحرین به سرعت شیعیان سعودی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (هرچند وضعیت سیاسی شیعیان سعودی متفاوت است و آنان در اقلیت هستند). می‌گویند بیش از ۴۵ درصد بودجه بحرین را عربستان سعودی تأمین می‌کند و در صورت صحت این امر، این موضوع باعث می‌شود عربستان بتواند براحتی در امور داخلی بحرین دخالت کند.

اقدام بعدی معترضان چه خواهد بود؟

شیعیان بحرین معتقدند این امر مسبوق به سابقه بوده و سربازان ضد شورش سعودی سال ۱۹۷۵ نیز وارد بحرین شدند و به سرکوب شدید معترضان پرداختند. با عنایت به این قضایا و همچنین مواضع مقامات سعودی در تحولات سال‌های اخیر بحرین، به نظر می‌رسد می‌توان این فرض را پذیرفت که سعودی‌ها عامل قدرتمندی در ترغیب آل خلیفه به انعطاف‌ناپذیری علیه منتقدان و اتخاذ روش‌های سرکوبگرانه علیه آنها هستند. اما به‌رغم همه موارد فوق‌الذکر، شرایط فعلی و واقعیات میدانی بحرین نشان‌دهنده آن است که هیچ تضمین صددرصدی و قطعی برای خودداری دائمی مخالفان از دست بردن به سلاح و شروع اقدامات مسلحانه علیه حکومت بحرین وجود ندارد. به عبارت دیگر اگر شرایط به گونه‌ای پیش برود که منتقدان بحرینی به این نتیجه برسند که نظام فعلی بحرین، به هیچ‌وجه قابل اصلاح نیست و آل خلیفه قصد ندارد هیچ روزنه‌ای از امید و تعامل را در این کشور بگشاید، یقیناً فضا به سمت خشونت و درگیری مسلحانه و اقدامات تقابلی جوانانه خواهد رفت و شرایط را برای رژیم آل خلیفه، بشدت وخیم و هزینه‌زا خواهد کرد. در این بین باید به این نکته مهم نیز عنایت داشت که انگ زدن به منتقدان و متهم کردن آنها به جاسوسی و خیانت و براندازی یا وابستگی به کشورهای دیگر (بویژه جمهوری اسلامی ایران) نیز دیگر ابزار موثری برای کشیدن ترمز اعتراضات و تحرکات معترضان نیست و جز هرچه بیشتر تیره شدن روابط بحرین با همسایه قدرتمندش، نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت.

*پژوهشگر مسائل خاورمیانه

منبع: پایگاه پژوهش خبری صداسویما

و خانواده و یاران‌شان پرداخته‌اند. در مقابل این اقدامات، شاید تأکید همیشگی معترضان بویژه بزرگ‌ترین گروه شیعه بحرینی یعنی «جمعیت الوفاق الوطنی» بر مسالمت‌آمیز بودن اعتراضات‌شان، حکومت آل خلیفه را دچار یک اشتباه محاسباتی کرده که احتمال وقوع هیچ‌گونه اعتراضات سخت و احیاناً مسلحانه‌ای در آینده وجود نخواهد داشت. این محاسبه، شاید در کوتاه‌مدت درست باشد اما به نظر می‌رسد چنانچه حکومت بحرین نخواهد امتیازی (ولو اندک و نه چندان عمیق و چشمگیر) به معترضان بدهد و کماکان سیاست «سرکوب با مشّت آهنین» را دنبال کرده و به هر بهانه‌ای به قلع و قمع و تشدید فشار بر منتقدان بپردازد، ممکن است معترضان و منتقدان بحرینی، به صف مخالفان سرسخت حکومت بپیوندند و چاره‌ای جز دست بردن به اسلحه و تلاش برای براندازی نظام فعلی حاکم بر بحرین نداشته باشند. فراموش نکنیم رژیم سراسر استبدادی سرهنگ معمر قذافی در لیبی نیز برای سال‌های طولانی (بیش از ۴۲ سال) به شدیدترین وجه به سرکوب، کشتار و شکنجه مخالفان و منتقدان می‌پرداخت و هیچ ابایی از افکار عمومی جهانی نیز نداشت ولی در نهایت با اعتراضات شدید و قاطع مردمی و البته مداخله طرف‌های خارجی به زیر کشیده شد و آن عاقبت شوم برای دیکتاتور لیبی رقم خورد.

چرا عربستان درباره نقض حقوق بشر در بحرین سکوت کرده؟

شاید رژیم آل خلیفه، به واسطه حضور ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در این کشور و همچنین حمایت‌های برخی کشورهای منطقه نظیر عربستان سعودی، خیالش از دخالت خارجی علیه خود تا حدود زیادی آسوده باشد. دولت عربستان سعودی به دلایل مختلف، از سیاست‌های سرکوبگرانه و انعطاف‌ناپذیر علیه معترضان بحرینی و در راس آنها جمعیت الوفاق حمایت می‌کند. دلایل این امر را می‌توان چنین برشمرد: اولاً این کشور قاطعانه با هر نوع گسترش دموکراسی در منطقه که ممکن است خود رژیم سعودی را تحت فشار قرار دهد، مخالف است. ثانیاً ایدئولوژی وهابی پادشاه سعودی، این کشور را در تقابل شدید با شیعیان قرار می‌دهد و در صورت امکان، هرگز براحتی با به قدرت رسیدن شیعیان در

مقاومت، گروه‌های اصیل عراقی و اعضای حشد، فرزندان ملت عراق هستند. باید فعالیت‌های سیاسی ما در این عرصه ادامه یابد تا آمریکا متوجه وحدت کامل ملت عراق در این خصوص شود.

مقام عالی‌رتبه نُجباء همچنین در پاسخ به برخی

شایعات درمورد ورود الحشد الشعبی به سوریه، ابراز داشت: حشد شعبی اجازه ورود به سوریه را ندارد، چراکه یک موسسه نظامی رسمی عراق است و نُجباء نیز نه به عنوان حشد شعبی، بلکه به عنوان مقاومت اسلامی به سوریه رفته است.

الموسوی اضافه کرد: ما با ورود به سوریه از امنیت ملی عراق دفاع کردیم و همه کسانی که در گذشته ورود ما به سوریه را محکوم می‌کردند، در حال حاضر به اهمیت فعالیت ما پی بردند. وی در ادامه به انتخابات پارلمان پیش‌روی عراق اشاره کرد و گفت: در این برهه، دشمن به دنبال تعویق انتخابات به تاریخ دیگری است و این مشکل بزرگی است.

سخنگوی رسمی نُجباء افزود: دشمن تلاش دارد که حشد شعبی را از صندوق انتخابات دور کند و

سخنگوی نجبا: روز تحریم نَجباء برای ما «یوم الله» است

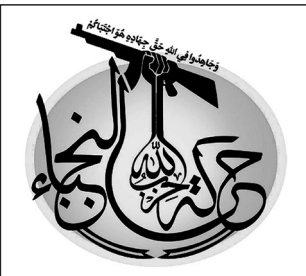
داعش؛ حافظ امنیت رژیم صهیونیستی

الموسوی، هدف دیگر از تأسیس داعش را تقسیم کشورهای منطقه توصیف کرد و ادامه داد: نخست وزیر سابق قطر به این امر اعتراف کرد که هدف، تقسیم کشورهای منطقه بود تا همه کشورها از اسرائیل کوچک‌تر و ضعیف‌تر شوند. وی با اشاره به سیاست تحریم ایالات متحده اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران، حزب الله لبنان و مقاومت اسلامی نُجباء به تروریسم متهم می‌شوند درحالی‌که واشنگتن، حزب لیکود و بقیه احزاب این رژیم اشغالگرو کودک‌کش را تروریستی اعلام نمی‌کند.

سخنگوی رسمی نُجباء با بیان اینکه «تحریم اخیر ما، درخواست برخی کشورهای مرتجع عربی از آمریکا پس از شکست‌شان در عراق و سوریه بود»، تأکید کرد: ایالات متحده با این کار، ما را به دنیا معرفی کرد و این روز را «یوم الله» معرفی می‌کنیم.

الموسوی با اشاره به حمایت یکپارچه عراقی‌ها از نُجباء، گفت: وحدت ملت، دولت و پارلمان عراق در مخالفت با تحریم کنگره آمریکا، باعث عقب نشینی کنگره از این لایحه خواهد شد.

وی تصریح کرد: دولت عراق باید سفیر آمریکا را فرا خواند و به او یادآوری کند که جنبش‌های



آمریکا به دنبال تحقیق اهداف خود در عرصه سیاسی است زیرا نتوانست اهداف خود در عرصه جنگ را محقق سازد.

الموسوی با بیان اینکه «اعضای حشد شعبی در انتخابات کاندیدا نمی‌شوند»، خاطرنشان ساخت: ولی گروه‌ها و احزابی که حشد شعبی را تأسیس کردند، در انتخابات حضور فعال خواهند داشت.

وی در بخش پایانی سخنان خود به بحران جدید لبنان پرداخت و اظهار داشت: آمریکا به دنبال ایجاد فتنه در لبنان بود که بازداشت حریری در عربستان بخشی از این پازل را تکمیل می‌کرد، ولی سخرنی سید حسن نصرالله و پیگیری‌های دولت لبنان باعث شکست این نقشه شد.

مقام عالی‌رتبه نُجباء با یادآوری تأسیس تیپ آزادسازی جولان توسط این گروه مقاومت با هماهنگی دولت سوریه، هشدار داد: آمریکا به خوبی می‌داند در صورتی که رژیم صهیونیستی جنگی را علیه لبنان به راه اندازد؛ دیگر این جنگ به حزب الله خلاصه نخواهد شد بلکه از هر منطقه جهان، جنگی علیه اسرائیل به راه خواهد افتاد.

دعوت آیت الله اراکی از شیخ الازهر برای حضور در کنفرانس وحدت اسلامی

دبیرکل مجمع جهانی تقریب به طور رسمی از شیخ «احمد الطیب» شیخ الازهر برای حضور در سری ویکمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی دعوت کرد.

به گزارش مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، آیت الله محسن اراکی در دیدار با «یاسر عثمان» حافظ منافع مصر در ایران که عصر در محل مجمع جهانی تقریب در تهران برگزار شد، ضمن محکوم کردن حادثه تروریستی مسجد «الروضه» مصر، شهادت تعداد زیادی از افراد بی گناه در این حادثه را تسلیت گفت.

وی با بیان اینکه برای مقابله با فکر تروریستی و جنایتکار نیازمند «وحدت اسلامی» هستیم، اظهار کرد: اینگونه حوادث زنگ هشدار است و هشدار که روابط جهان اسلام باید یکپارچه و متحد باشند اما متأسفانه کمتر گوش شنوایی در این زمینه وجود دارد.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب گفت: امیدوارم روابط میان ایران و مصر برقرار شود زیرا مصر به واسطه الازهر جایگاه فوق العاده مهمی در جهان اسلام دارد که امیدوارم با همکاری حوزه علمیه قم و الازهر یک طرح مشترک برای جلوگیری از این مصیبت ها داشته باشیم.

در ادامه این دیدار آیت الله اراکی دعوتنامه حضور شیخ الازهر در سری ویکمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی را تقدیم حافظ منافع مصر در ایران کرد و گفت: حضور شیخ الازهر برای تبلور طرح های مشترک میان ما و مصر بسیار مهم و حیاتی است و مانع از مصیبت هایی است که بر جهان اسلام وارد می شود.

وی با تأکید بر نقش مصر برای مقابله با این تهدیدات یادآور شد: ما آماده هر گونه همکاری و تعامل با الازهر جهت ایجاد یک جبهه واحد در مقابل این تکفیری ها هستیم.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب با اشاره به گفتن مشترک برای جذب جوانان افزود: امروز جوانان مورد هدف تکفیری ها هستند و لازم است راه حلی برای مقابله با این مسئله ارائه و اجرا شود. یاسر عثمان حافظ منافع مصر در ایران در این دیدار ضمن تشکر از ابراز همدردی و پیام تسلیت دبیرکل مجمع جهانی تقریب برای حادثه تروریستی مسجد «الروضه» تأکید کرد: گروه های تروریستی خطری هستند که امروز نه تنها جهان اسلام بلکه کل جهان را تهدید می کنند.

وی با تأکید بر اینکه حادثه ای که رخ داد زاییده یک فکر بیمار و جنایتکار است، ادامه داد: ما باید با ارائه طرح جدید، بتوانیم جوانان را جذب کنیم تا به سمت این گروه های تروریستی نروند.

خاطر نشان کرد: در دین مبین اسلام نظام طبقاتی جایگاهی ندارد؛ بلکه آنچه اهمیت دارد تقوی، برادری و برابری است.

قاضی شرعی کشور یونان نیز در این همایش، گفت: اسلام و مسلمانان تنها با وحدت و همدلی می توانند به پیروزی و موفقیت برسند.

«مفتی جمالی» اظهار کرد: دین کامل اسلام سراسر رحمت، مهر و محبت به همنوعان و همگان است. به گفته وی؛ وظیفه داریم در راستای وحدت، اخوت و برادری که ناشی از قرآن کریم است حرکت کنیم.

مفتی کشور یونان با بیان اینکه امت اسلامی باید گرد وحدت قوی و استوار باشد، خاطر نشان کرد: ملت های مسلمان باید در این راستا با داشتن اراده قوی و محکم، فریب دشمنان را نخورند.

آیت الله اراکی:

حرکت در مسیر پیامبر اسلام(ص) سبب رفع مشکلات جامعه می شود

جامعه ترویج می شود به همین علت شعر آیینی از جایگاه والایی برخوردار است.

وی با بیان اینکه اشعار اهل سنت در مورد ائمه اطهار(ع) نشان از علاقه آنها به خاندان پیامبر اسلام(ص) است، تصریح کرد: جمعیت قابل توجهی از مسلمانان جهان به حضرت محمد(ص) و خاندان ایشان عشق می ورزند به همین علت باید بگوییم که جمعیت علاقمندان به این خاندان بسیار زیاد است.

آیت الله اراکی با تأکید بر اینکه حرکت جامعه در مسیر پیامبر اسلام(ص) سبب رفع مشکلات و تحقق سعادت و پیروزی می شود، عنوان کرد: افزایش محبت جامعه به اهل بیت(ع) تحقق زمینه های ظهور امام زمان(عج) را به دنبال دارد. وی با اشاره به اینکه قلمرو حکومت امام زمان(عج) مرز جغرافیایی مشخصی ندارد، مطرح کرد: ایشان امام جهانیان و جامعه اسلامی هستند به همین علت قلمرو گسترده ایشان را باید با حفظ وحدت در مسیر پیامبر اسلام(ص) بیمه کرد.

مردم در دریاها با استفاده از ستارگان مسیر خود را پیدا می کنند، اهل بیت(ع) نیز با روشنی خود از گمراهی مردم در دنیای خاکی جلوگیری می کنند به همین علت اتصال به اهل بیت(ع) باید مورد توجه قرار گیرد. وی از مخالفت با آموزه های اهل بیت(ع) به عنوان منشأ اختلافات جامعه اسلامی یاد کرد و گفت: محبت به حضرت محمد(ص) برترین مقوله وحدت آفرین در میان امت اسلامی و انسان هاست به همین علت باید در راستای آشنایی همگان با رسول اکرم(ص) گام های مورد نیاز را برداریم.

آیت الله اراکی با اشاره به اینکه انسان با استفاده از آموزه های اهل بیت(ع) می تواند استعدادهای خود را شکوفا کند، اظهار کرد: شعر به عنوان یکی از مقوله های جامعه بشری از برترین احساسات انسان گرفته می شود به همین علت در میان افراد نیز تاثیرگذاری بسیاری دارد.

عضو مجلس خبرگان رهبری از جایگاه شعر آیینی در میان مردم جامعه اسلامی یاد کرد و ادامه داد: در اشعار آیینی محبت به اهل بیت(ع) در

اگر دشمن خوب شناخته شود معنای وحدت بهتر جلوه گر می شود

مقاومت مقابل گروه تروریستی تکفیری داعش و دسیسه های استکبار جهانی هستیم توجه به موضوع وحدت ضرورت امروز امت اسلامی است.

وی با بیان اینکه وحدت امری ضروری در جهان اسلام و موجب برکت و قدرت است، افزود: دشمن می داند که امت رسول گرامی اسلام(ص) امتی دارای توانمندی فکری، عقیدتی، عقلی، نیروی انسانی، استعداد سرزمینی، اقتصادی، سیاسی و زمینی است که با اتکاء به این سرمایه های عظیم توانسته به قدرت بزرگی در مقابل استکبار بدل شود. رئیس سازمان صدا و سیما با تأکید بر اینکه تنها جایی که می تواند منشا تولید و رویش قدرت شود همین منطقه اسلامی است گفت: دشمن برای تخریب چنین قدرتی برنامه ریزی کرده است.

عسکری از برنامه آمریکا برای ایجاد اختلاف و فتنه بین مسلمانان و سپس درگیری های خونین برای تضعیف اسلام و قدرت مسلمانان گفت و افزود: آمریکا در چارچوب همین سیاست داعش را ایجاد کرد تا شیعه و سنی را درگیر جنگی تمام عیار کنند، اما با ناکامی این گروهک منقرض تروریستی این سیاست شکست خورد.

وی با بیان اینکه این شکست زمینه را برای مصونیت در مقابل چنین دسیسه هایی فراهم کرد گفت: اکنون فصل جدیدی برای وحدت مسلمانان آغاز شده است.

رئیس سازمان صداوسیما تخریب قدرت

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی در گرگان:

تلاش در جهت تثبیت وحدت و همدلی بین جوامع اسلامی کار جهادی است

نهایت بهره را می برد و در صدد معرفی چهره خشنی از اسلام و مسلمین است.

به گفته وی؛ گروه های تندرو به بهانه های واهی، انسان های بی گناه و مظلوم و با مومنان در حال عبادت و نیایش را به خاک و خون می کشند. حجت الاسلام و المسلمین مختاری با انتقاد از تعابیر نادرستی که از سوی داعش و دیگر گروه های الحادی از ساحت دین می شود، ابراز کرد: اگر امروز رسول اکرم(ص) زنده بودند تفکرات، اعتقادات، باورها و جنایاتی که از گروه های ضد دینی سر می زند برایش غیر قابل تحمل بود.

وی ادامه داد: گروه های کج اندیش و کوتاه بین با قرائت، درک و شناخت ناقص و نسی خود از دین، تعابیری خارج از آموزه های ناب اسلامی ارائه می کنند. به گفته وی؛ این جریانات تندرو دین را که متعلق

آئین شعرخوانی اساتید و شاعران شیعه و اهل سنت به مناسبت آغاز هفته وحدت و میلاد پیامبر اسلام(ص) و امام صادق(ع) در شبستان امام خمینی(ره) حرم مطهر حضرت معصومه(س) برگزار شد.

آیت الله محسن اراکی طی سخنانی در این مراسم با تأکید بر اینکه حرکت در مسیر پیامبر اسلام(ص) و خاندان ایشان انسان را به سمت سعادت و موفقیت هدایت می کند، اظهار کرد: برای اینکه بتوانیم به اهداف مورد نظر خود در دنیا و آخرت برسیم باید نسبت به دستورات دین مبین اسلام و به دنبال آن پیامبر این دین مبین اهتمام لازم را داشته باشیم.

وی با تأکید بر اینکه پرداختن به خواسته های پیامبر اسلام(ص) و خاندان ایشان سبب موفقیت و پیروزی می شوند، اضافه کرد: اگر محبت به حضرت محمد(ص) در جامعه فراگیر شود، می توانیم به وحدت و یکپارچگی مورد نظر اسلام برسیم.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب خاطر نشان کرد: بر اساس فرمایشی از حضرت محمد(ص) همانطور

آیت الله محسن اراکی، دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامیدر دیدار با علی عسکری، رئیس سازمان صدا و سیما با اشاره به تأکیدهای مکرر مقام معظم رهبری بر اهمیت وحدت امت اسلام و ضرورت مقابله با فتنه تفرقه افکنی دشمن گفت: تقریب هم اکنون از حوزه خبگانی به حوزه اقشار مردم وارد شده و با تأسیس اتحادیه جهانی علمای مقاومت، بانوان مسلمان، احزاب مقاومت و اعزام سفیران تقریب به دنبال خنثی سازی توطئه دشمنان اسلام است.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب پیشنهاداتی برای پوشش هرچه بهتر رویدادهای سی و یکمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی ارائه کرد؛ حضور پررنگ تر رسانه ملی در پوشش برنامه های این کنفرانس، پرداختن به ویژگی های این کنفرانس که حدود نیمی از شرکت کنندگان آن جدید و از شخصیت های برجسته جهان اسلام اند، بررسی علمی موضوع وحدت مسلمانان، معرفی دو طیف وحدت گرا و تفرقه گرا و تبیین منافع و زیان هایی که برای ملت های منطقه در این زمینه به وجود آمده است و گفت وگو با علما و استادان جهان اسلام که به این کنفرانس دعوت شده اند از جمله پیشنهادهای رئیس مجمع تقریب مذاهب در این نشست بود.

علی عسکری رئیس سازمان صداوسیما نیز در این دیدار با اشاره به نقش اساسی رسانه ملی در همگرایی جهان اسلام تأکید کرد: در شرایطی که شاهد پیروزی های رزمندگان اسلام و محور

خبرگزاری تقریب: «حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد حسین مختاری» در همایش «وحدت میراث نبی مکرم اسلام(ص)» که در جامعه المصطفی العالمیه واحد گرگان برگزار شد، اظهار کرد: اغلب علما و روحانیون جهان اسلام معتقدند تنها راه نجات اسلام و مسلمین از این شرایط نگران کننده، تمسک به ریسمان الهی و گرد آمدن حول اشتراکات فراوانی است که داریم.

به گفته وی؛ نخبگان و فرهیختگان جوامع اسلامی وظیفه سنگینی دارند تا با رفتن به سراغ احکام ناب وحیانی و نبوی، امت را به سمت آن دعوت کنند.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی با اذعان بر اینکه گروه های تکفیری مولود دست استکبار جهانی است، تصریح کرد: نظام سلطه پشت جریانات افراطی است و از آنها حمایت مادی و معنوی می کند.

وی، افزود: دشمن از انشقاق و تفرق مسلمین

به همه ابناء بشریت است در حصار قشریت و تعصب گرفتار کرده اند، دین پاک اسلام مختص عرب، عجم، سیاه و سفید نیست؛ بلکه در پهنه وسیع گیتی مخاطب پیدای کند.

امام جمعه اهل سنت آق قلا نیز در این همایش، گفت: امت اسلامی فقط با همگرایی و هم افزائی می توانند مجد و عظمت سابق خود را بدست آورند.

«آخوند عبدالحی میرزاعلی» اظهار کرد: برای پیشرفت، توسعه و آبادانی بلاد اسلامی چاره ای جزء حفظ اتحاد و انسجام ملی و مذهبی نداریم.

به گفته وی؛ دشمنان از یهود و مسیحیت گرفته برای به اضمحلال بردن جوامع اسلامی با هم متحد شده اند، این اتحاد و نزدیکی چرا در بین ما مسلمانان با برخورداری از اشتراکات فراوان به منصفه ظهور نرسد. مشاور استاندار در امور اهل سنت گلستان،

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز

تلفکس: ۳۷۷۴۱۴۲۳۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

کلیه شروق: www.ketab.ir/shorouh

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

منصوری با بیان اینکه سازمان مجاهدین خلق تمام پلهای پشت سر اعضای خود را خراب می‌کرد، اضافه کرد: این کار به صورتی انجام می‌شد که اعضا نه می‌توانستند به شغلشان برگردند و نه خانواده‌شان و باید به صورت کامل در اختیار سازمان می‌بودند. یکی از این افراد بهرام صدقی بود که ۳۶ ترور انجام داد که از این میان ۲۷ نفر شهید شدند. او بعد از دستگیری اعتراف کرده بود که از سازمان و مسعود رجوی چنان بتی در ذهنش ساخته بود که عاشقانه برای آنها کار می‌کرد و خانواده، دین و اخلاق برایش معنایی نداشت.

سازمان منافقین مرده است

این کارشناس حوزه تاریخ با بیان اینکه سازمان مجاهدین خلق هرچه به جلوتر می‌آید به بن‌بست‌های بیشتری می‌خورد و حالت فرقه‌ای‌اش برای نگهداری آدم‌ها بیشتر می‌شود یادآور شد: در این سازمان زنان باید هویتشان را رها کنند و مردها از همسرانشان جدا شوند و بچه‌ها از والدینشان تا همه در خدمت مسعود رجوی باشند. از کسانی که در حوزه جریان‌های سیاسی فعالیت می‌کنند پیشنهاد می‌کنم که سازمان منافقین را به عنوان یک سازمان‌الگو مورد بررسی قرار دهند نه سازمان منحصر به فرد، ما سازمانهای منافقین متعددی در کشور داشتیم، سازمانهایی که تبلیغات دروغ می‌کنند و تفکرات ماکیاولیستی اساسشان است و اصالت قدرت جزو ارکانشان. و برای پیشبرد اهدافشان به این می‌رسند که هر چیزی مباح است.

منصوری تأکید کرد: سازمان مجاهدین خلق مرده است و آمریکا و اسرائیل می‌خواهند از آن به عنوان اهرم فشار برای بازی علیه ما استفاده کنند. حتی در مذاکرات هسته‌ای مطرح کردند که اگر شما حزب الله لبنان را خلع سلاح کنید ما سران سازمان را به شما تحویل می‌دهیم.

جواد منصوری در نقد و رونمایی «هژمونی فریب» مطرح کرد:

استفاده ابزاری آمریکا از فرقه رجوی



سازمان از نظر اخلاقی و رفتاری و معیار سنجشش در قضایا تفکر ماکیاولیستی داشت. به این معنی که همه چیز در دنیا برایش ابزاری برای رسیدن به قدرت بود. هیچ چیز در دنیا ارزش و حق نیست مگر اینکه آنها را به قدرت برساند. استفاده سازمان از زنان نیز با نگاه ابزار صورت گرفت. آنها نه تنها از زنان بلکه حتی از انقلاب و از هر امکانی به عنوان ابزاری برای رسیدن به قدرت استفاده می‌کنند.

برنامه‌ریزی سازمان منافقین برای تعیین دولت در ایران

این کارشناس با بیان اینکه سازمان مجاهدین خلق معتقد به اصالت قدرت و حکومت است یادآور شد: از این جهت هیچ چیز برای سازمان ارزش ندارد مگر اینکه آنها را به قدرت برساند اگر کسی از آنها انتقاد می‌کرد یا یک سرورگردن از آنها بالاتر بود، حتما او را له می‌کردند. من از سال ۵۰ با آنها اختلاف داشتم در سال ۵۸ وقتی به عنوان فرمانده سپاه معرفی شدم سازمان در بیانیه‌ای اعلام کرد از سازمان ناامید شده چون یک ضدمجاهد فرماندهی سپاه را برعهده دارد. این یعنی تنها برای سازمان مهم آن است که چه کسی در جهت قدرت آنهاست و هر کس که مخالف قدرت آن نبود بلااستثنا باید سرکوب شود. افرادی بودند که از سازمان انتقاد کردند یا از آن جدا شدند و تمام نکات مثبتشان در سازمان به یک باره به عنوان نکات منفی تبدیل و تلقی شد.

وی با بیان اینکه در سازمان مجاهدین خلق یک نوع فرعونیت و سلطه‌جویی مطلق وجود داشت، افزود: در روز ۸ آبان ۵۷ زمانی که تعدادی از روحانیون و علما مانند مرحوم هاشمی رفسنجانی و مهدوی از زندان آزاد می‌شوند، محمدرضا سعادتی به آنها پیغام می‌دهد که به امام خمینی (ره) بگویید که مبدا دولت تعیین کند. دولت حق ماست و ما آن را تعیین می‌کنیم؛ این حرف زمانی زده می‌شود که انقلاب به پیروزی نرسیده است. افراد سازمان مجاهدین خود را لایق‌ترین افراد برای اداره کشور و حتی بالاتر از آن می‌بینند.

برنامه‌های آموزشی سازمان منافقین برای جذب نیرو/ آنها سراغ افراد بی‌سواد و عاطفی می‌رفتند

منصوری در ادامه به برنامه‌های آموزشی سازمان مجاهدین خلق برای جذب نیرو اشاره کرد و گفت: یک دوره کامل روانشناسی در رده‌های بالای سازمان برگزار می‌شود از این جهت آنها می‌دانستند

مراسم نقد و رونمایی از کتاب هژمونی فریب خاطرات زنان جدا شده از سازمان منافقین با حضور جواد منصوری، مهدی حق‌بین و جواد کامور بخشایش از جمله کارشناسان و نویسندگان و حسام الدین پیمان نویسنده کتاب در خبرگزاری تسنیم برگزار شد.

جواد منصوری، از کارشناسان حوزه تاریخ و از جمله زندانیان سیاسی در دوره پهلوی، در این نشست با اشاره به آثار منتشر شده درباره سازمان منافقین گفت: ما در بحث‌های مربوط به گروه‌ها و عملکردشان معمولاً نقطه ضعفی رایج داریم و آن این است که غالباً به معلول‌ها می‌پردازیم و کمتر ریشه‌یابی و علل را مدنظر قرار می‌دهیم. به همین دلیل بعضاً ماهیت و اهداف جریان‌ها به خوبی شناخته نمی‌شود و حتی گاه از این طریق درباره شناخت جریان‌ها و برنامه‌های آنها به اشتباه می‌افتیم. متأسفانه در مورد سازمان مجاهدین خلق ما گرفتار چنین مسئله‌ای هستیم. در کتابها کمتر به عمق مبانی فکری، اعتقادی و ارزشی این سازمان‌ها اشاره می‌شود که عملکرد آنها ناشی از همین مبانی فکری است. به همین دلیل نتیجه‌گیری‌ها یا ناقص است یا قطعاً به تمام جوانب قضیه نمی‌پردازد.

وی با بیان اینکه چند مسئله بنیادین درباره سازمان وجود دارد، ادامه داد: من قریب ۱۰ سال با تمام جریان‌های سیاسی زیر یک سقف زندگی کردم لذا وقتی درباره آنها صحبت می‌کنم به صورت عینی می‌توانم درباره رفتارها و اهداف آنها صحبت کنم. من سه سال با مسعود رجوی زیر یک سقف زندگی کردم و می‌توانم درباره روش‌های کاری او برای جذب و دفع نیرو و برنامه‌ها و اهدافش صحبت کنم. زمانی که در آذر ۵۷ از زندان آزاد شدم درباره جریان‌ها پیش‌بینی می‌کردم. برخی از شخصیت‌های برجسته حرم را نمی‌پذیرفتند و می‌گفتند که تو داری با عینک بدبینی قضاوت می‌کنی اما در سال ۶۱ مشخص شد که همه آن پیش‌بینی‌ها درست است از جمله صحبت‌هایی که راجع به مجاهدین خلق داشتم.

دین و مذهب برای سازمان منافقین یک ابزار است

منصوری افزود: سازمان مجاهدین خلق از نظر مبانی اعتقادی صرف نظر از جنبه‌های فردی، تاریخ و مقطع، ایدئولوژی ماتریالیستی یا ماده‌گرایی بر تفکراتش غلبه دارد و مذهب یک توجیه و ابزار بود و اگر این اثبات شود دیدگاه ما نسبت به این سازمان متفاوت خواهد شد. دیگر اینکه

وقف کتاب و وقف زمین برای ساخت کتابخانه نیازمند فرهنگ سازی در جامعه است

را در کنار ساخت کتابخانه‌های حقیقی گسترش دهیم و این فرهنگ نیز باید در دوره پیش دبستانی و دبستانی گسترش داده شود.

آیت الله صفایی بوشهری با تأکید بر اینکه گسترش فرهنگ نویسندگی و احترام به نویسندگان موجب رشد حوزه کتاب می‌شود، گفت: کتاب خانه‌های عمومی، اقاماری در مساجد و محلات و تخصصی در بخش‌های آموزشی، علمی، ادبیات، علوم پایه، علوم انسانی، علوم تجربی و دیگر رشته‌های شاخص در هر حوزه شهری و روستایی با تخصص ویژه درون استان که مرتبط با تخصص دانش بنیان استان بوشهر باشد را راه اندازی کنید و لازم است که کتابخانه اسناد، کتابخانه توریسم دریایی بر روی کشتی‌های اقیانوس پیما و گردشگری و درمانگاه کتاب داشته باشیم و این يك پروژه‌ای است که از دوران سیراف تا کنون انجام نشده است و می‌بایست با فکر، همت، دانش و مجاهدات انجام شود.

وی در پایان از راه اندازی کتابخانه‌های نویسندگان و مولفان بومی استان بوشهر خبرداد.

اندیشی نقد و تحلیل تالیفات، ایجاد تالار کتاب ویژه کودک و نوجوان، نمایش فیلم‌های بلند و کوتاه در سینما تخصصی کتاب که فضاهای رفاهی، ایستگاه مطالعه در طبیعت را دارد، باید به این شیوه علمی جهت ساخت و بهره‌برداری اقدام کنید.

امام جمعه بوشهر با تأکید بر اینکه پرداخت نیم درصدی‌ها شهرداری‌ها بر اساس مصوبه به اداره امور کتابخانه‌ها يك ضرورت است، بیان داشت: باید مشارکت مردم را در خصوص وقف کتاب، ساخت کتابخانه و وقف زمین برای کتابخانه سازی در استان بوشهر رقم بخورد و این بخش نیازمند فرهنگ سازی در بین عموم جامعه است.

مؤلف کتاب «درآمدی بر مدیریت کارآمد اسلامی» با اشاره به اینکه پیامبر اسلام فرمودند «بهترین هدیه برای جامعه بشری سخن حکمت آمیز است که به برادر مومن یاد بدهد و بر هدایتش بیفزاید و یا از سقوطش جلوگیری کند»، اظهار داشت: ساعت مطالعه مردم در فرهنگ کتابخوانی کشور نسبت به نرم جهانی خیلی کمتر است و باید این فرهنگ

استان بوشهر در عرصه زیرساخت‌ها نیاز به تحول تاریخی دارد و این استان يك استان بین‌المللی در سطح ایران است که بر اساس نگاه‌های مقام معظم رهبری بر محور دانش بنیادی حرکت می‌کند.

وی در ادامه با اشاره به اینکه حوزه کتابخوانی يك حوزه مردمی است و تا آنجا که مقدور است در کنار بودجه‌های دولتی از سرمایه‌گذاری‌های مشارکتی و خیرین مردمی استفاده و بهره‌مند شویم، خواستار شد: با دانش دانش بنیان و طراحی دانش بنیان باید سند کتابخانه‌های استان بوشهر را بر اساس مدیریت تخصصی و ساختار تأمینی طراحی کنیم و می‌بایست هر ساخت کتابخانه جدید شهری و روستایی با يك نگاه استاندارد فوق‌روز باشد، یعنی این باید نگاه در حدود ۵۰ سال از موقعیت و زمان فوق‌روز جلوتر، بین‌المللی تر و علمی تر باشد.

رئیس شورای عالی حوزه‌های علمیه استان بوشهر گفت: در حوزه دانشی استان بوشهر باید فوق‌روز اندیشید و گام‌های بی‌نظیر در راستای ساخت کتابخانه‌های دیجیتال و برپایی کرسی‌های آزاد

کانون خبرنگاران نبأ؛ رئیس شورای فرهنگ عمومی استان بوشهر با اشاره به اینکه استان بوشهر يك استانی است که از دیرباز با کتاب آشنا بوده است، گفت: کتاب‌های مرحوم علامه بلائی بوشهری و نیز کتاب «شرح کتاب سبویه» نوشته ابوسعید سیرافی مربوط به دوران حضرت موسی بن جعفر (ع) و زمان قرن ۴ هنری آغاز به تألیف شده است و همچنین سلیمان سیرافی قبل از سفر مارکوپولو، به نوشتن سفرنامه‌ها پرداخته است.

آیت الله صفایی بوشهری با اعلام اینکه مردم استان بوشهر در تمامی گونه‌های دانشی؛ صاحب تحلیل و تألیف هستند، خاطرنشان شد: جلسات کتاب خواندن و کتاب خوانی به عنوان يك مجمع فرهنگی و رسم دیرینه در نوع آداب و سبک زندگی مردم مرسوم بوده است و این سبک کتاب خوانی تاریخی مردم این دیار، امروز با ترکیب فناوری نوین به نام کتاب گویا صوتی معرفی می‌شود.

نویسنده کتاب «بدء النحو» روحیه کتابخوانی را در استان بوشهر بسیار بالا برشمرد و عنوان کرد: